

Israel's actions in expanding the sphere of influence in the Kurdistan Region of Iraq and its consequences for the national security of the Islamic Republic of Iran

Hamid Dorj

PhD student of International Relations at Gilan University
hamid.dorj@gmail.com

abstract

This article aims to analyze Israel's actions to expand the sphere of influence in the Kurdistan Region of Iraq and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. Israel is one of the regional actors in West Asia, which has faced major problems due to not being recognized as legitimate by some countries in the region, especially the Islamic Republic of Iran. In order to get out of regional isolation, find a strategic ally in the region and create a Greater Kurdistan in West Asia, this regime is trying to develop its presence and establish extensive relations with the climate of Iraqi Kurdistan in order to use its oil and gas resources and sell its products in this region. The region has supported its desire for independence, which will weaken and divide Iraq's geopolitics, as well as create pressure and intelligence elites on the Islamic Republic of Iran. Thus, the main question of the research is what measures Israel has taken to develop the sphere of influence in Iraqi Kurdistan and what effect will this have on the national security of the Islamic Republic of Iran? The hypothesis of this article is that since Israel enjoys geopolitical isolation and high vulnerability in West Asia; Therefore, with extensive investments in the energy market and the development of commercial and security relations with the Kurdistan Region, while supporting the independence of this region, this country will achieve a base next to the borders of Iran. The expansion of Israel's sphere of influence in Iraqi Kurdistan, along with the collapse of Iraq's geopolitics, will have a significant impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. A descriptive-analytical method has been used to analyze the research data.

Keywords: Israel, Iraqi Kurdistan, Iran, peripheral alliance strategy, Geopolitics.

اقدامات اسرائیل در گسترش حوزه نفوذ در اقلیم کردستان عراق و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

درج، حمید (دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان)
hamid.dorj@gmail.com

چکیده

این نوشتار در صدد است تا اقدامات اسرائیل برای گسترش حوزه نفوذ در اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. اسرائیل از بازیگران منطقه‌ای در غرب آسیا محسوب می‌شود که به دلیل مشروع شناخته نشدن از سوی برخی کشورهای منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران با مشکلاتی اساسی روبه‌رو بوده است. این رژیم برای خروج از انزوای منطقه‌ای، یافتن متحدی استراتژیک در منطقه و ایجاد کردستان بزرگ در غرب آسیا، در صدد توسعه حضور و ایجاد روابط گسترده با اقلیم کردستان عراق برآمده تا ضمن استفاده از منابع نفت و گاز آن و فروش محصولات خود در این اقلیم، از استقلال‌خواهی آن حمایت نموده که این امر باعث تضعیف و تجزیه ژئوپلیتیک عراق و نیز ایجاد فشار و اشراف اطلاعاتی بر جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. بدین ترتیب، سؤال اصلی پژوهش این است که اسرائیل برای توسعه حوزه نفوذ در کردستان عراق دست به چه اقداماتی زده است و این امر چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ فرضیه این نوشتار این است که از آنجایی اسرائیل از انزوای ژئوپلیتیکی و آسیب‌پذیری بالایی در غرب آسیا برخوردار است؛ لذا این کشور با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در بازار انرژی و توسعه روابط تجاری و امنیتی با اقلیم کردستان، ضمن حمایت از استقلال‌خواهی این منطقه، به پایگاهی در کنار مرزهای ایران دست خواهد یافت. گسترش حوزه نفوذ اسرائیل در کردستان عراق، ضمن فروپاشی ژئوپلیتیک عراق، تأثیر به سزایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت که این مسأله می‌تواند به تضعیف و محاصره منطقه‌ای تهران و پاره شدن حلقه‌های محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا کمک کند. برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

کلید واژگان: اسرائیل، کردستان عراق، ایران، استراتژی اتحاد پیرامونی، ژئوپلیتیک.

۱. مقدمه

اسرائیل از قدرت‌های نوظهور در منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود که در پی اشغال فلسطین توسط یهودیان و با همکاری قدرت‌های بزرگ به ویژه انگلیس به وجود آمده است. وجود منابع عظیم نفت و گاز در اقلیم کردستان عراق و همچنین برخورداری این منطقه از منابع آبی فراوان و از سویی، نیاز اسرائیل به این منابع، زمینه حضور و ایجاد روابط گسترده تل‌آویو با اقلیم کردستان را فراهم نموده است که این امر باعث افزایش سرمایه‌گذاری‌های گوناگون این رژیم در این منطقه شده است. شروع رابطه رژیم اشغالگر قدس با اقلیم کردستان به دهه ۱۹۳۰ باز می‌گردد. قبل از تشکیل اسرائیل، آژانس یهود در زمینه مهاجرت یهودیان کردستان عراق فعالیت می‌نمود و تعداد زیادی از اسرائیلی‌ها از این منطقه مهاجرت نمودند. محمود عثمان^۲ از شخصیت‌های سیاسی و برجسته عراق و رئیس فراکسیون کرد در پارلمان عراق، اعتقاد دارد که نفوذ اسرائیل در کردستان عراق به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی و دوران جنگ‌های جدایی‌طلبانه با دولت عراق بر می‌گردد. در آن دوران، اسرائیل بر آن بود تا با تقویت کردها دولت عراق را تضعیف کند. بعد از سفر ملامصطفی بارزانی در سال ۱۹۶۸ میلادی، افسران اسرائیلی برای آموزش نیروهای کرد به کردستان آمدند و مقادیر زیادی سلاح و مهمات در اختیار بارزانی قرار دادند و بارزانی نیز این ارتباط را برای نزدیکی به آمریکا مناسب می‌دانست (رضایی، ۱۳۹۴: ۳۹-۴۰). در این میان، اسرائیل در صدد حضور گسترده در کردستان عراق و ایجاد رابطه درازمدت و استراتژیک با آن بر آمده است. موجودیت این رژیم به لحاظ سیاسی و اجتماعی از سوی کشورهای اسلامی معارض اسرائیل در غرب آسیا فاقد مشروعیت است. اسرائیل به عنوان عضوی بیگانه و ادغام‌ناشدنی با محیط اطراف، با گرایش‌ات و رفتارهایی نژادپرستانه و توسعه‌طلبانه، همواره از بدو پیدایش، هویت و مشروعیت آن برای اکثریت کشورهای منطقه و در رأس آن بازیگران محور مقاومت غیر قابل پذیرش بوده و از این رهگذر همواره درگیر ملاحظات امنیتی بوده است. شاهد این مدعا نیز وقوع جنگ‌هایی است که از زمان تأسیس این رژیم بین اسرائیل و کشورهای عربی اتفاق افتاده و هم‌اکنون نیز به شکل‌های دیگری ادامه دارد. انزوا، آسیب‌پذیری و خلأ مشروعیت منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله خطرات و چالش‌های عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید کرده‌اند. لذا یکی از اولین و مهم‌ترین اهداف اسرائیل در غرب آسیا، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در این منطقه بوده است. اسرائیل برای خروج از انزوای سیاسی و مشروعیت‌بخشی به موجودیت خود، توجه

۱. رژیم صهیونیستی و اشغالگر قدس یک واژه ارزشی و ژورنالیستی است و اسرائیل در متون علمی درست‌تر است.

بنابراین در پژوهش حاضر از واژه اسرائیل استفاده شده است.

^۲. Mahmoud Osman

^۳. Mullah Mustafa Barzani

خود را به اتحاد با کشورهای مسلمان غیرعرب منطقه غرب آسیا و اقلیت‌های قومی و مذهبی منطقه همچون کردها و مسیحیان معطوف کرد. در واقع، علت این امر این است که اسرائیل برای خروج از انزوا و تسلط بر منطقه، اقلیت‌های قومی-مذهبی موجود در منطقه را عقبه استراتژیک سیاست‌های امنیتی خود در برخورد با کشورهای مسلمان دانسته و همواره تلاش نموده تا بیشترین بهره‌برداری را از اختلافات موجود این اقلیت‌ها با حکومت‌هایشان به عمل آورد. در این میان، اقلیت‌های کُرد منطقه از جمله کردستان عراق که از دیر باز در آروزی استقلال و خودمختاری بوده‌اند؛ همواره هدف مناسبی برای سیاست‌های مورد نظر این رژیم محسوب شده‌اند. این سیاست با عنوان سیاست «اتحاد پیرامونی» شهرت یافت. دلیل اهمیت کردها در سیاست «اتحاد پیرامونی» تل‌آویو این بوده است که کردها بزرگ‌ترین قوم فاقد کشور و دولت مستقل در دنیا محسوب می‌شوند (اخوان‌کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲).

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی حکومت بعثی عراق به عنوان عنصر بی‌ثباتی و ناامنی منطقه، بیش از پیش بر امید و آمال صهیونیست‌ها بر پیگیری نقشه‌های بزرگ خود در خاورمیانه و کردستان عراق بیش از پیش افزود که به وضوح می‌توان آن را مشاهده کرد. اسرائیل در خاک کردستان عراق حضور فعال دارد و این موضوع در حالی که حکومت اقلیم کردستان، دارای بیشترین مرز زمینی با جمهوری اسلامی ایران است؛ به منزله حضور و تحرک دشمن شماره یک ایران در منطقه است. وعده تشکیل کردستان بزرگ می‌تواند انگیزه خوبی برای حضور و همکاری‌های متقابل اسرائیل و کردستان عراق در منطقه ایجاد کند. کمک به استقلال کردستان عراق و تشکیل کردستان بزرگ، به دلیل کردنشین بودن حاشیه غربی ایران، می‌تواند تأثیر بسزایی بر امنیت ملی ایران به عنوان بزرگ‌ترین دشمن این رژیم در غرب آسیا داشته باشد و در آینده زمینه واگرایی کردستان ایران از دولت مرکزی را فراهم کند. اسرائیل با حضور خود در این اقلیم راهبرد فشار حداکثری را بر ایران دنبال می‌کند؛ زیرا جمهوری اسلامی همواره از حزب‌الله لبنان حمایت کرده و از آن به عنوان اهرم فشار علیه اسرائیل استفاده نموده است. لذا تل‌آویو تلاش می‌کند با تشکیل گروه‌های شبه نظامی از کُردها، اهرم فشاری مانند حزب‌الله لبنان در غرب آسیا علیه ایران به وجود آورد که مسلماً حضور آن‌ها در این منطقه می‌تواند بر امنیت ملی ایران تأثیر منفی داشته باشد (قنبری و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۱). هدف مقامات سیاسی و امنیتی اسرائیل از این استراتژی بهره‌برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی برای راهاندازی جنگ‌های نیابتی در غرب آسیا و تقویت حضور دائمی نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود در مرزهای غربی ایران و دیگر کشورهای محور مقاومت از جمله لبنان، فلسطین، سوریه، عراق می‌باشد که این امر ضمن کنترل و نظارت اسرائیل بر ایران، عراق، ترکیه، سوریه و فلسطین در غرب آسیا؛ به کاهش توان بازیگری و قدرت چانه‌زنی ایران و دیگر کشورهای کُردنشین منطقه نیز منجر خواهد شد و در این رابطه، موازنه قدرت و نظم منطقه‌ای را به نفع تل‌آویو در غرب آسیا شکل خواهد داد. در واقع، حضور قابل توجه کُردهای یهودی در اسرائیل و مشترکات تاریخی، فرهنگی آنان با کُردهای شمال عراق و همچنین وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه و از سویی، غیر عرب بودن مردم اقلیم کردستان و مهم‌تر از همه همجواری این اقلیم با جمهوری اسلامی ایران، مقامات اسرائیلی را علاقه‌مند به حضور و اعمال نفوذ در قلمروی اقلیم کردستان عراق نموده است که این امر ضمن تضعیف و تجزیه ژئوپلیتیکی کشور عراق، می‌تواند کمک شایانی به رهایی تل‌آویو از محاصره ژئوپلیتیکی در غرب آسیا از سوی بازیگران معارض همچون لبنان، سوریه، کرانه باختری، نوار غزه و مصر نماید. از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش این است که اسرائیل برای توسعه حوزه نفوذ در کردستان عراق دست به چه اقداماتی زده است و این امر چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ این نوشتار با تکیه بر مبانی و مفروضات نظریه ژئوپلیتیک شکل گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

راجع به سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در قبال کردستان عراق و انعکاس آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تاکنون پژوهش‌های زیادی به زبان فارسی و انگلیسی صورت پذیرفته است که در ادامه صرفاً به بررسی چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد؛ اشاره می‌گردد.

۱- خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با نام «اسرائیل؛ استقلال‌خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»؛ این نوشتار بیان می‌دارد که حمایت گسترده از تمایلات استقلال‌خواهانه کردستان عراق در چارچوب استراتژی اتحاد پیرامونی بن‌گوریون، همواره اصلی مهم در راهبرد سیاست خارجی اسرائیل برای مشروعیت‌بخشی به موجودیت خود و خروج از انزوای منطقه‌ای و همچنین تثبیت اتحاد با موجودیتی غیر عرب و هم‌مرز با ایران بوده است که این امر پیامدهای متعددی برای ایران به دنبال خواهد داشت.

۲- احمدی و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در استقلال کردستان عراق با تأکید بر نقش ایران، اسرائیل و آمریکا؛ فرضیه پژوهش این است که با توجه به شرایط داخلی کشور عراق همچون مخالفت دولت، گروه‌ها و احزاب عراقی و درگیری دو حزب عمده کردی با همدیگر و شرایط منطقه‌ای مانند مخالفت ایران و ترکیه و شرایط فرامنطقه‌ای همچون عدم حمایت جدی آمریکا و اروپا، تحقق استقلال کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد ممکن نیست.

۳- بنگیو (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای با نام «یهودیان، اسرائیل و کردها: کشف اسطوره»؛ فرضیه نوشتار این است که علی‌رغم رابطه دیرینه میان یهودیان کردستان و همسایگان غیریهودیشان، امروزه افسانه‌های «مثبت» و «منفی» بیشمار پیرامون روابط یهودیان، اسرائیل و کردها، در پس زمینه روابط میان آن‌ها شکوفا شده است.

۴- آگدمیر (۲۰۲۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «آیا دولت منطقه‌ای کردستان در عراق یک دوست پیرامونی جدید برای اسرائیل است؟»؛ فرضیه پژوهش این است که بی‌ثباتی منطقه‌ای و نیازهای امنیتی، دولت یهود را وادار می‌کند تا دوستان جدیدی در خاورمیانه بیابد و یک کشور گُرد دوست، اسرائیل را قادر می‌سازد تا در خاورمیانه راحت‌تر زندگی کند. نویسنده در ادامه می‌افزاید؛ به نظر می‌رسد در آینده قابل پیش‌بینی، اقلیم کردستان یک شریک اساسی برای اسرائیل خواهد بود و برای دولت منطقه‌ای گُرد، اسرائیل الگوی مهمی برای آن خواهد بود.

۵- رجبی (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «کردستان عراق و جنگ ایران و رژیم صهیونیستی: مروری تحلیلی؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کردستان عراق به دلیل مولفه‌های تاریخی، هویت‌های سازمانی و اجتماعی متفاوت، تفاوت در سطوح قدرت و عوامل شخصی (ذهنیت رهبران)، جمهوری اسلامی ایران را مانعی بر سر راه تحقق استقلال خود می‌بیند. از این‌رو، کردستان عراق در تقابل صهیونیسم و ایران، استراتژی منحصر به فردی را بر اساس موازنه تهدید دنبال می‌کند. نوآوری و تازگی پژوهش حاضر این است که عمده تحقیقات قبلی با تکیه بر اصول و مفروضات نظریه موازنه تهدید و با استفاده از مفاهیم مکتب کپنهاگ شکل گرفته است؛ این در حالی است که پژوهش حاضر با تکیه بر موضوعات و مفاهیم ژئوپلیتیک به بررسی و تحلیل موضوع مورد بحث پرداخته است. بحث از تحولات اخیر و سفر پزشک‌یان، رئیس‌جمهور ایران، به اقلیم کردستان و دیدار با مقامات اقلیم نیز می‌تواند بر جنبه ابتکار و نوآوری این پژوهش بیفزاید.

۳. روش‌شناسی تحقیق

4. Bengio

5. Agdemir

نوشتار حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. روش گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام پذیرفته است.

۴. مبانی نظری تحقیق

۱.۴. نظریه ژئوپلیتیک

از زمان وضع واژه ژئوپلیتیک در سال ۱۸۹۹ میلادی، توسط ردولف شلین عا دوران کنونی، یک دیدگاه و فلسفه یکپارچه برای دانش ژئوپلیتیک شکل نگرفته است که شاید دلیل اصلی آن فقدان اجماع میان اندیشمندان و نظریه‌پردازان این مفهوم و سیر تاریخی و پیامدهای ناشی از آن باشد. در واقع، ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل قدرت و سیاست با جغرافیا و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر است. بر این اساس، جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم‌ها سیاسی مدنظر می‌باشد. عنصر قدرت که از سوی بازیگران سیاسی اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها، افراد و ... به کار گرفته می‌شود؛ در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی و بین‌المللی شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، علمی، تکنولوژیکی، ارتباطی- رسانه‌ای و ... می‌باشد. عنصر قدرت در هر سطح و بعدی چه از نظر تولید و چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوی پخش و رده‌بندی، به نحوی از عناصر دیگر یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد (احمدی سیلوه و دیگران، ۱۴۰۱: ۴). به عقیده ریچارد میور^۶ قدمت ژئوپلیتیک به اندازه تاریخ جستجوی انسان برای قلمرو، امنیت و به اندازه قدمت دیپلماسی، راهبرد، حسادت و ترس بوده است. بنابراین ژئوپلیتیک به لحاظ عملکردی قدمتی به اندازه تاریخ انسان بر روی زمین دارد. اما ژئوپلیتیک از لحاظ مفهومی تحولات مختلفی را داشته و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده که گاه از ژئوپلیتیک به عنوان تأثیر جغرافیا بر امور نظامی، گاه تأثیر یکجانبه جبری جغرافیا بر سیاست، گاه تأثیر دوجانبه جغرافیا و سیاست، گاه تحلیل فضایی مناسبات و ساختار قدرت و رقابت جهانی و ... یاد شده است. نگاهی گذرا به کتاب‌ها در این زمینه، نشان دهنده این تنوع برداشت‌ها از مفهوم ژئوپلیتیک است (محمدی و زارعی، ۱۴۰۳: ۶۲).

ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند. ترکیب سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست، الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند (احمدی نوحدانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴). باید توجه داشت که امروزه واژه ژئوپلیتیک از رواج و عمومیت فراوانی در مباحث علمی، سیاسی و اجتماعی برخوردار شده است و در اغلب تحلیل‌های مرتبط با موضوعات سیاسی و اجتماعی، بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی به کار گرفته می‌شود. دامنه مباحث ژئوپلیتیک، طیف وسیعی از مسائل را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست‌محیطی در ابعاد خرد و کلان در بر می‌گیرد. در ارتباط با تعریف ژئوپلیتیک می‌توان بیان نمود که این علم به تجزیه و تحلیل تأثیرات جغرافیایی بر روابط قدرت در سطح بین‌المللی می‌پردازد. از سوی دیگر، ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی و ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیرحکومتی و تحولات آن‌ها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد. ژئوپلیتیک عبارت است از درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شده و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. در بیان دیگر، ژئوپلیتیک دانش طراحی و بازبینی راهبرد‌های بازیگران جهت دستیابی به منافع و اهداف مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت است (محمدی

⁶. Rudolf Schellin

⁷. Richard Muir

و زارعی، ۱۴۰۳: ۶۳-۶۲). کارل هاوس هوفر^۸ بنیانگذار مکتب آلمانی ژئوپلیتیک می‌گوید: «ژئوپلیتیک تحقیق در خصوص رابطه میان زمین و سیاست است». لورو و توال^۹ ژئوپلیتیک را «روش ویژه‌ای» می‌دانند که پدیده‌های بحرانی را کشف و تحلیل می‌کند و راهبردهای تهاجمی یا دفاعی را بر سر یک محدوده ارضی از نقطه نظر محیط جغرافیایی انسانی و طبیعی تعریف می‌کند. پیتر تایلر^{۱۰} جغرافیدان سیاسی مشهور انگلیسی، در تعریفی دیگر می‌گوید: «ژئوپلیتیک علم مبتنی بر مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به خصوص رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی است». در یک تعریف کلی می‌توان تصریح کرد: ژئوپلیتیک و مباحث مرتبط با آن در واقع علمی است که به بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست‌های دگرگون شونده جهانی می‌پردازد. بر اساس این تعریف، ژئوپلیتیک اموری مانند ساختار و کارکرد قدرت، همگرایی و واگرایی، تصمیم‌گیری، بحران، حوزه نفوذ، نزاع، سلطه، صلح و همکاری، منابع و محیط زیست، منافع ملی، فضا، قدرت ملی، امنیت و ثبات ملی، روابط فضایی، توسعه و رفاه و جهان‌گرایی و نظایر آن که جملگی مفاهیم کلی و پایدار هستند را شامل می‌شود (درج و طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶). در واقع به نظر می‌رسد؛ اسرائیل برای دستیابی به اهداف خود در منطقه خاورمیانه، تلاش دارد تا با حمایت از ایده‌های استقلال طلبانه کردها و تشویق آن‌ها به ایجاد دولت کردی، ضمن تثبیت و مشروع سازی حضور خود در شمال عراق، کشورهای منطقه از جمله سرسخت‌ترین دشمن خود؛ یعنی ایران را با بحران‌های امنیتی مواجه سازد و از طریق گسترش عمق استراتژیک خود، امنیت تل‌آویو را تثبیت کند. برپایی پایگاهی در کنار مرزهای ایران و ایجاد عراقی تجزیه شده و تسلط بر بغداد، در کانون استراتژی و اهداف اسرائیل در قبال تحولات کردستان قرار گرفته است که این موضوع می‌تواند امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. یافته‌های تحقیق

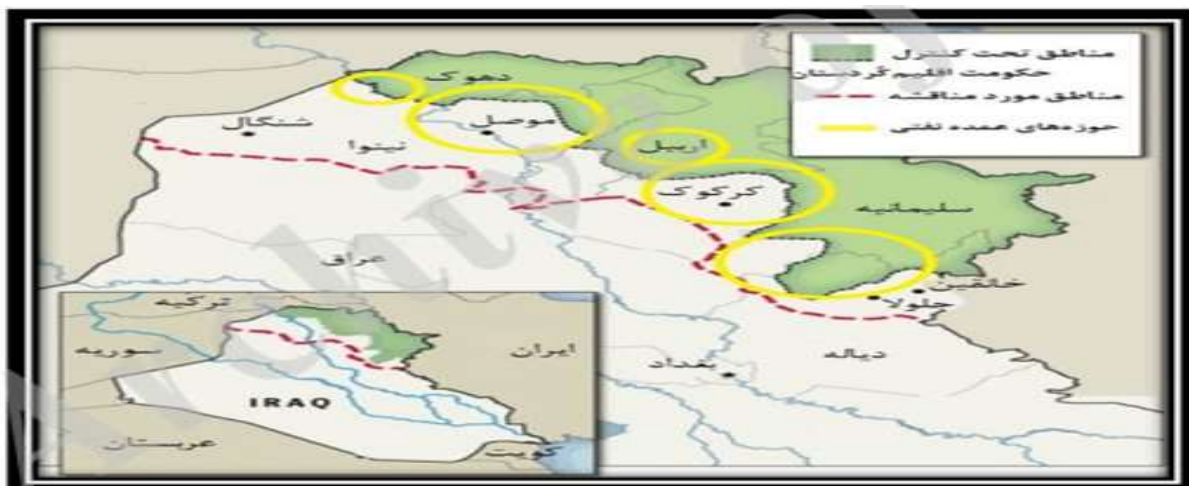
۱.۵. موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق

اقلیم کردستان عراق از شرق با ایران، از شمال با ترکیه، از غرب با سوریه و از جنوب با دیگر مناطق عراق هم‌مرز می‌باشد. مساحت اقلیم کردستان عراق معادل ۹۰۰۰ کیلومتر مربع است که در حقیقت ۲۹ درصد کل سرزمین عراق را شامل می‌شود (جعفری و عثمان سلیمان، ۱۳۹۹: ۱۳۶). بر اساس آخرین برآورد اداره آمار اقلیم کردستان عراق، جمعیت این منطقه در سال ۱۴۰۲، حدود ۶،۵۵۶،۷۵۲ نفر تخمین زده شده است (Basnews, 2023: 3). کردستان عراق هر چند به لحاظ وسعت و جمعیت بعد از کردستان ترکیه و ایران قرار می‌گیرد؛ اما بدین دلیل که تا حدودی در مرکز کردستان قرار گرفته و مانند حلقه‌های یک زنجیر کردستان ترکیه، سوریه و ایران را به هم پیوند می‌دهد؛ دارای ارزش ژئوپلیتیکی منحصر به فردی است (اسمعیل پورروشن، ۱۳۹۶: ۳۶۱). کردستان عراق، هارتلند خاورمیانه است و به لحاظ ژئوپلیتیک انرژی، اهمیت فراوانی دارد. این امر می‌تواند به ایجاد موازنه قدرت با رقبا در سطح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت و حفظ و گسترش منافع ملی بینجامد. وجود کوه‌های اطراف کردستان به عنوان عمق استراتژیک و توان محافظت طبیعی کردها به شمار رفته و از لحاظ نظامی شایان توجه است (سمیعی اصفهانی و فرحمند، ۱۳۹۸: ۱۴۳). همچنین به لحاظ موقعیت جغرافیایی با قرار گرفتن بین چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق و تأثیرگذاری متقابل این منطقه بر سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای این کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر اقتصادی، شمال عراق به لحاظ قرار گرفتن بر راه خطوط لوله نفت صادراتی عراق به ترکیه و اروپا، شهرک‌های اقتصادی عراق را تحت تأثیر قرار داده و موقعیت راهبردی خود را افزایش داده است (رضایی، ۱۳۹۴: ۳۶).

^۸- Karl Haushofer

^۹. Lauro and Toal

^{۱۰} - Peter Tyler



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق

مآخذ: جعفری و عثمان سلیمان، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷

اقلیم دشت‌های کردستان، مدیترانه‌ای است و بارش باران در آن‌ها بالنسبه زیاد است؛ اما کوهستان‌ها سرد و برف گیرند و رودهای دجله، زاب بزرگ، زاب کوچک و سیروان از آن گذشته و به سمت مناطق عرب نشین بین‌النهرین سفلی در حرکت‌اند. منابع طبیعی نظیر نفت، سنگ آهن، کروم، مس، آلومینیوم، بوکسیت، طلا، گوگرد، فولاد، سیمان و گچ در کردستان عراق یافت می‌شود که تا به امروز از آن‌ها به خوبی بهره‌برداری به عمل نیامده است. ولی منبع عمده ثروت این منطقه، بی‌گمان نفت است. به گونه‌ای که حوزه‌های نفتی واقع در مناطق کردنشین عراق تا حدود ۵۰ درصد کل تولید نفت این کشور را تولید می‌کنند و بیش از نیمی از منابع شناخته شده گاز عراق نیز در مناطق کردنشین قرار دارد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱۲). در واقع، منابع نفت و گاز کردستان عراق می‌تواند تا حدودی متحدین اروپایی را از زیر فشار روسیه خارج کند و برقرار کننده وزن تعادل باشد (دهقانی‌فیروزآبادی و خدیری‌وریک، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸). علاوه بر نفت و گاز، بزرگ‌ترین ذخایر گوگرد جهان در شرق واقع در جنوب غرب اربیل، در کردستان عراق قرار دارد. گوگرد یک فرآورده فرعی پالایش و تصفیه نفت خام و گاز طبیعی به شمار می‌آید. گوگرد در تولید کودهای شیمیایی و آفت‌کش زمین‌های کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین عنصر اصلی تشکیل دهنده باروت و برخی گازهای سمی به شمار می‌آید (احمدی‌سیلوه و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱). وزارت صنعت و معدن عراق ۱۲ آوریل ۲۰۲۲، تأیید کرد که عراق رتبه اول ذخایر گوگرد در جهان را دارد و ذخایر گوگرد رسوبی در میادین مشرق این کشور بیش از ۴۰۰ میلیون تن است (Pukmedia, 2023: 3).

کردستان عراق با داشتن قابلیت‌های بالفعل توریستی متنوع و فراوانی در زمینه‌های جغرافیایی، تاریخی و مردم شناختی در کنار ظرفیت‌های بالقوه در زمینه سرگرمی و تفریحی، استراحت‌گاهی و رفاهی از امتیاز ویژه‌ای در سطح ملی و منطقه‌ای برخوردار است. داشتن آب و هوای مناسب و معتدل به نسبت سایر مناطق عراق، رودخانه‌های پرآب، مناظر طبیعی دلپذیر، بافت سنتی جامعه، تنوع و تکرر در باورها و مناسک دینی و مذهبی، آثار باستانی و تاریخی و ... در کنار سهولت دسترسی، همگی حکایت از توانایی‌های این منطقه در جذب گردشگران و جهانگردان دارد (فرجی‌راد و قربانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲). علاوه بر این، طرح‌های ایالات متحده آمریکا موسوم به «طرح خاورمیانه بزرگ»^۱ و «طرح خاورمیانه جدید»^۲ بر اهمیت

^۱ - Greater Middle East Plan

^۲ - New Middle East plan

ژئوپلیتیک کردستان عراق در سطح کلان جهانی افزوده است. در این خصوص سخنان ژنرال جی. گارنر،^۳ نخستین حاکم نظامی آمریکا در عراق، درباره جایگاه کردهای عراق در سیاست خارجی آمریکا می‌تواند اهمیت مسأله را بهتر نشان دهد: «اگر تلاش آمریکا در عراق به شکست بیانجامد؛ باید از استقلال کردها دفاع کرد. همانگونه که فیلیپین به عنوان سکوی آمریکا برای حفظ اقیانوس آرام مورد توجه بود؛ کردستان در این سده می‌تواند به عنوان سکوی آمریکا برای خاورمیانه عربی نقش راهبردی بازی کند (دهقانی فیروزآبادی و خدیروی، ۱۳۹۲: ۶-۷).

۲.۵. دلایل و مستندات اسرائیل برای حضور در کردستان عراق

۱.۲.۵. ادعای اسرائیل در هم نژاد بودن یهودیان و کردها

اسرائیل همیشه سعی داشته است کردها را به نوعی با وضعیت خود در منطقه مقایسه و آن‌ها را با خود همراه نماید. حتی در این راستا، به تاریخ‌سازی نیز روی آورده است. روزنامه هآرتس مقاله‌ای در خصوص رابطه ژنتیکی یهودیان و کردها منتشر و اعلام کرده است: «پژوهش‌هایی که در دانشگاه عبری اورشلیم صورت گرفته است نشان می‌دهد که کردها و یهودی‌ها از نظر ژنتیکی بیشترین شباهت را به هم دارند و اجداد یکسان آن‌ها در جنوب شرقی ترکیه و شمال عراق زندگی می‌کردند» (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۵۰). روابط ژنتیکی میان جوامع یهودی حاکی از این است که اکثریت یهودیان معاصر از نسل اسرائیلی‌های باستانی هستند که تا ۲۰۰۰ سال پیش در سرزمین تاریخی اسرائیل زندگی می‌کردند. بسیاری از جوامع یهودی دیاسپورا برای صدها سال از یکدیگر جدا بودند. بنابراین، مقداری واگرایی به دلیل رانش و یا اختلاط ژنتیکی را می‌توان انتظار داشت. بدین ترتیب، اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند تا از لحاظ تاریخی، این ادعا را که کردستان سرزمین و خاستگاه ملت یهود است؛ را به اثبات رسانند. از نظر آنان، یهودیان کردستان تا زمان مهاجرتشان به اسرائیل در اوایل دهه ۱۹۵۰ - به عنوان قومی بسته و منزوی، عمدتاً در شمال عراق و ایران و در شرق ترکیه زندگی می‌کردند. بر اساس یک سنت قدیمی، یهودیان کردستان از نوادگان ده قبیله گمشده هستند که در سال ۷۲۳ قبل از میلاد توسط آشوریان تبعید شدند (Nebel And others, 2001: 1103). شهر کردنشین زاخو در استان دهوک کردستان عراق به دلیل کثرت کنیسه‌ها و جامعه بزرگ یهودیان به «اورشلیم کردستان» معروف بوده است. تا به امروز کردها کرکوک را «اورشلیم کوچک» می‌نامند. بر اساس سنت یهودی، یهودیان متوفی کردستان در حالی که پاهایشان به سمت اورشلیم بود؛ به خاک سپرده شدند (Khezri, 2022: 5). لذا گردهای کنونی عراق هم نژاد با اسرائیلیان و باقی مانده آنان هستند. بر این اساس، آنان ادعا می‌کنند که عشتار موردخای، ملکه یهودی‌ها، در منطقه اورامان کردستان و دانیال پیامبر نیز در کرکوک مدفون است و یک سده پیش از میلاد نیز در کردستان پادشاهی حکومت می‌کرده که سرزمین وی به نام آدیابان به پایتختی اربیل بوده است. اسرائیلی‌ها برای مستند کردن این ادعاها و یافتن آثاری از قوم یهود، هیئت‌هایی را به شهرهای مختلف عراق از جمله بابل اعزام کرده‌اند تا با حفاری‌های لازم، ریشه تاریخی یکسان کردها و یهودیان را به اثبات رسانند. به علاوه آنان با هماهنگی آمریکایی‌ها با محاصره کامل شهر بابل در زمان اشغال آن، این شهر را منطقه بسته نظامی اعلام کردند تا بتوانند رگه‌هایی از حضور قوم یهود را به اثبات رسانده و همچنین آثار تاریخی عراق را به سرقت ببرند. از سوی دیگر، کارشناسان بیولوژیک اسرائیل نیز تلاش وسیعی را برای اثبات ارتباط ژنتیک میان کردها و یهودی‌ها انجام داده‌اند. این پژوهش‌ها که از گذشته با انجام آزمایش‌هایی میان اسرائیلی‌ها و سایر نژادها صورت گرفته است؛ در سال ۲۰۰۱ در مجله آمریکایی ژنتیک با طرح این مطلب که کردهای کردستان عراق به لحاظ ژنتیکی نزدیک‌ترین ملت به یهودیهای

^۱ - J. Garner

سفاردی (یهودی‌های شرقی) هستند؛ به چاپ رسیده است. مجموعه این اقدامات برای اثبات هم نژادی کردها و یهودیان و ایجاد ارتباط نزدیک میان آنان صورت گرفته است (اخوان‌کازمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸).

۲.۲.۵. وجود پیوندها و سرنوشت مشترک یهودیان و کردها

رابطه بین قوم یهود و دولت اسرائیل با کردها در افسانه‌ها پوشانده شده است و بر منحصر به فرد بودن و ماندگاری آنها در طول قرن‌ها تأکید شده است. برای بازگشایی و شناخت این اسطوره‌ها، قرار دادن آنها در بافت تاریخی آنها مهم است. از زمان‌های بسیار قدیم، یهودیان با همسایگان خود در کردستان پیوندهایی داشتند که بیش از دو هزار سال قدمت دارد. آنها زمینه مساعدی را برای روابط قوم یهود و اسرائیل با کردها در دوران مدرن ایجاد کردند. این پیوندها با احساس سرنوشت مشترک دو موجودیت کوچک و تحت آزار و اذیت که کشورهای همسایه مشروعیت آنها را برای دولت‌های خودشان سلب می‌کردند، تقویت شد. حیدر دومل^۴ استاد دانشگاه دهوک، می‌گوید: «کردها همیشه تصور می‌کردند با اسرائیل دوست هستند؛ زیرا یهودیان کُرد در اسرائیل و کُردهای یهودی در کردستان حضور دارند و تاریخ مشترکی از ستم دارند» (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۵۰-۴۷). این پیوندهای تاریخی و فرهنگی بین یهودیان و همسایگان آنها در کردستان زمینه مناسبی را برای روابط اسرائیل با کردها از دهه ۱۹۵۰ ایجاد کرد. این پیوندها با احساس سرنوشت مشترک دو ملت کوچک و تحت آزار و اذیت که کشورهای همسایه آنها را از مشروعیت برای دولت خود، احساس همبستگی، منافع استراتژیک متقابل و ابعاد انسانی و اقتصادی محروم کردند؛ تقویت شد. بیشتر این همدلی‌ها ناشی از سابقه مشترک آزار و اذیت، مبارزه برای حفظ هویت و در نهایت حفاظت از موجودیت خود در خصومت با همسایگان منطقه‌ای می‌باشد (Bengio, 2021: 828-829). شیرزاد ممسنی، رئیس سابق امور یهود در اقلیم کردستان، اعلام کرد: «در داخل کردستان عراق مقبره‌های پیامبران بنی اسرائیل مانند ناحوم، دانیال، عزرا، مُردُخای و استر قرار دارد. در این منطقه همچنین صدها کنیسه، مکان‌های باستان‌شناسی و املاک وجود دارد». وی تأکید کرد: «در کردستان مستقل، یهودیت نیز مانند سایر ادیان موجود به عنوان یک دین رسمی به رسمیت شناخته می‌شود. به همین دلیل، روابط فرهنگی و تاریخی مشترکی با ادیان مختلف از جمله یهودیت وجود دارد که توسط بخش قابل توجهی از کردهای مناطق مختلف کردستان و اسرائیل پذیرفته شده است. این روابط مشترک تاریخی و فرهنگی ملی، کردستان مستقل را به دوست استراتژیک اسرائیل تبدیل خواهد کرد» (Avraham, 2022: 3). در حالی که خبر پایگاه اسرائیل در اربیل ممکن است برخی ناظران را غافلگیر کرده باشد؛ اما در واقع از رابطه طولانی بین اسرائیل و کردهای عراق ناشی می‌شود. پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، بسیاری از یهودیان کُرد شروع به مهاجرت به این کشور کردند که امروزه جمعیت آنها حدود سیصد هزار نفر است. به قول گیدئون سار^۵ وزیر سابق لیکود، داستان رویزیونیستی جدید، این است که کردها و یهودیان دو گروه اقلیت در خاورمیانه هستند؛ اما یهودیان به کشوری مستقل دست یافته‌اند؛ در حالی که کردها از آن محروم شده‌اند. وی گفت: «کردها متحدان قابل اعتماد و بلندمدت اسرائیل بوده و خواهند بود؛ زیرا آنها نیز مانند ما یک گروه اقلیت در منطقه محسوب می‌شوند» (Silverstein, 2022: 2). در طول جنگ ایران و عراق، دولت صدام حسین عملیاتی تحت عنوان کمپین الانفال علیه کردها در شمال عراق راه‌اندازی کرد. این کارزار در سال ۱۹۸۸ زمانی که غیرنظامیان در شهر کردنشین حلبچه با گاز شیمیایی مورد حمله قرار گرفتند، به اوج خود رسید. بر اساس گزارش دیده بان حقوق بشر (۱۹۹۳)، ۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ کرد به دلیل این کمپین کشته شدند. برخی از مقامات کرد ادعا کرده‌اند که این رقم می‌تواند به ۱۸۲۰۰۰ نفر

1 . Heydar Domel

4

1 - Gideon Saar

5

برسد (Khezri, 2022: 7). بسیاری این رویداد را یک عمل نسل کشی می‌دانند و با توجه به روایت‌های مشابهی که کردها و یهودیان دارند؛ می‌توان به طور فرضی آن را «هولوکاست کردها» توصیف کرد» (Naghi, 2017: 5). رسانه‌های ترکیه مدت‌هاست در مورد اجداد یهودی مسعود بارزانی، رئیس‌جمهور پیشین اقلیم کردستان، گمانه‌زنی می‌کنند و نقشه‌هایی را نشان می‌دهند که مدعی نشان دادن جایگاه کردستان عراق در جغرافیای پرشکوه «اسرائیل بزرگ» است (Danforth, 2017: 6). در جریان فراندوم، علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، نیز مدعی شد که آمریکا در تلاش است تا «اسرائیل جدیدی» در منطقه ایجاد کند (Bengio, 2021: 841).

۳.۲.۵. حضور اسرائیل در کردستان عراق: اهداف و انگیزه‌ها

۱.۳.۲.۵. کمک به طرح تجزیه عراق و استقلال اقلیم کردستان

کردستان عراق از جمله ملت‌های بدون دولت هستند که از زمان تقسیم کردستان پس از جنگ جهانی اول، با دولت مرکزی عراق برای دستیابی به استقلال فرهنگی و سیاسی مبارزه کرده‌اند؛ تا این‌که در سال ۱۹۹۱، بعد از تهاجم عراق به کویت و با استفاده از تحولات ژئوپلیتیکی جدید با حمایت غربی‌ها توانستند منطقه‌ای را در شمال عراق به صورت مستقل در اختیار گرفته و تشکیلاتی حکومتی را در آنجا به وجود آورند. اسرائیل با توجه به فرصت ایجاد شده، نفوذ خویش را در منطقه شمال عراق گسترش داده و سعی دارد با معرفی خود به عنوان ملتی که دوره‌های طولانی از آوارگی و سرکوب را تجربه کرده است؛ با ابراز همدردی نسبت به کردها خود را دولتی معرفی کند که بهتر از سایر دولت‌ها شرایط آن‌ها را درک می‌کند. بدین ترتیب، اسرائیل به صورتی جدی تلاش می‌کند تا با تشویق کردها به کسب استقلال و ایجاد دولت مستقل کردی، ضمن جلب متحدین و دوستانی در این منطقه حیاتی برای خود، تا اندازه‌ای به حل بحران مشروعیت خویش کمک کرده و مشکل انزوای سیاسی خود را در منطقه به تدریج مرتفع نماید (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۵۰). اسرائیل تنها کشور یهودی جهان است و از زمان تأسیس با مشکل مشروعیت در میان کشورهای منطقه مواجه بوده است. تلاش اسرائیل برای برقراری ارتباط با کشورهای منطقه و به ویژه اعراب با شکست مواجه شده و این امر به انزوای سیاسی اسرائیل در منطقه انجامیده است. به همین دلیل اسرائیلی‌ها تمایل زیادی به نزدیکی به ارتباط با ملت‌های بدون دولت و تشویق آن‌ها برای کسب استقلال دارند؛ زیرا این گروه‌ها هم می‌توانند متحدان مناسبی برای اسرائیل باشند و هم موجب مشروعیت بخشیدن به تشکیل حکومت یهود در فلسطین می‌شوند (قنبری و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۲). چرا که اسرائیل در محاصره ژئوپلیتیکی از جانب کشورها و کنشگران معرض همچون لبنان، سوریه، کرانه باختری، نوار غزه و مصر است؛ لذا تل‌آویو در صدد رهایی از این تنگنا جغرافیایی برآمده است و در راستای گسترش عمق استراتژیک و برقراری اتحاد با کشورهای مسلمان غیرعرب منطقه و اقلیت‌های قومی و مذهبی در غرب آسیا همچون کردها و مسیحیان گام بر می‌دارد.

بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ از سوی ایالات متحده آمریکا و در خلاء قدرت ناشی از سقوط صدام، حضور اسرائیل در اقلیم کردستان در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی و فرهنگی گسترش یافته و حمایت از کردها برای کسب استقلال در ردیف اهداف استراتژیک اسرائیل قرار گرفته است. این رژیم در پوشش حمایت از استقلال کردستان، اهداف استراتژیک، منافع اقتصادی و سیاست‌های توسعه طلبانه خود را دنبال کرده است (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱-۲۰). در ژوئن ۲۰۱۴، برای اولین بار، یک مقام ارشد اسرائیلی حمایت آشکار خود را از استقلال کردها اعلام کرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، علی‌رغم این واقعیت که نگفت منظورش صرفاً کردهای عراق است یا همه کردهای خاورمیانه، در یک سخنرانی سیاسی در تل‌آویو گفت که این مسئولیت اسرائیل است که از تلاش‌های بین‌المللی کردها برای استقلال حمایت کند. به گفته نتانیاهو، چون کردها سابقه ثبات سیاسی و میانه‌روی دارند؛ آن‌ها سزاوار استقلال سیاسی هستند

(Sobelman, 2014: 6). آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه اسرائیل، نیز همین دیدگاه را در مورد استقلال کردها بیان داشت. در ژوئن ۲۰۱۴، وی گفت که عراق به تدریج در حال تجزیه است و ایجاد یک دولت کردی مستقل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این رابطه، در مارس ۲۰۱۵، نیز میکی لوی، یکی از اعضای پارلمان اسرائیل، گفت که اقلیم کردستان عراق حق مستقل شدن را دارد و او تلاش خواهد کرد تا بحث استقلال کردستان را در داخل حزب خود آغاز کند؛ زیرا به این موضوع اعتقاد راسخ دارد (Agdemir, 2022: 73-74). در واقع، اسرائیل با افزایش ارتباطات با کردها و حضور خود در شمال عراق و کمک به استقلال آنان تلاش می‌کند تا عراق را به عنوان یکی از کشورهای عمده عربی تجزیه کند. در واقع، از آنجا که عراق یکپارچه خطری برای امنیت ملی اسرائیل بوده و این کشور پیشینه تاریخی بسیاری در سیاست‌های ضداسرائیلی دارد، تجزیه عراق به معنای نابودی یا تضعیف یکی از دشمنان مهم اسرائیل در منطقه، افزایش توان بازیگری و نفوذ اسرائیل در خاورمیانه و تضعیف جبهه عربی در قبال روند صلح خاورمیانه و سیاست‌های اسرائیل در منطقه می‌باشد.

۲،۳،۲،۵. تثبیت حضور و نفوذ تل‌آویو در شمال عراق

از زمان فعالیت حکومت خودگردان در کردستان عراق، اسرائیل در تلاش بوده تا روابط و نفوذ خود را در میان کردهای منطقه گسترش دهد. بر اساس گزارش نشریه نیویورکر، اسرائیل فعالانه از کردهای عراقی که تحت لوای فدرالیسم در عراق، در پی فراهم آوردن استقلال خود هستند، حمایت می‌کند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۹). اسرائیل بر این باور است که یک کشور کُرد مستقل می‌تواند به عنوان یک پایگاه بالقوه برای ارتش و اطلاعات اسرائیل عمل کند و به این کشور اهرم فشاری علیه ایران، سوریه و عراق بدهد. ایجاد یک دولت مستقل کردی در خاورمیانه کاملاً با طرح اودد ینون ۸۸ سال ۱۹۸۲ برای خاورمیانه مطابقت دارد که از تجزیه جهان عرب در امتداد خطوط قومی و فرقه‌ای برای تقویت نفوذ اسرائیل و گسترش هژمونی آن حمایت می‌کرد. اسرائیل یک کشور کردستان آینده را به عنوان یک متحد غیر عرب بالقوه در منطقه می‌داند؛ متحدی که مستقیماً تحت تأثیر آرمان فلسطین قرار نمی‌گیرد (Andoni, 2017: 4). اسرائیل از زمان پیدایش خود از استراتژی «اتحاد مناطق پیرامونی» که توسط دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، برای تقویت روابط تل‌آویو با دولت‌ها و گروه‌های مسلمان غیر عرب در منطقه به منظور شکستن انزوای اسرائیل مطرح شد؛ پیروی کرده است. در این راستا؛ اقلیم کردستان از ابتدای شکل‌گیری، به شدت مطلوب و تحت نفوذ اسرائیل بوده؛ چرا که به اعتقاد مناخیم بگین، خداوند به یهود نیل تا فرات را هدیه داده و در این راستا، نفوذ در کردستان عراق، بازوی چپ اسرائیل را به فرات می‌رساند و استراتژی «اتحاد پیرامونی» ۱۹ پیش می‌برد (اسلامی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۷۶-۷۷). اسرائیل برای تثبیت موقعیت و حضور خود در شمال عراق، به بهانه پیشینه حضور یهودیان در این منطقه و بازگرداندن ۹۰ هزار یهودی کُرد ساکن اسرائیل به سرزمین اصلی‌شان عراق، اقدام به خرید املاک و زمین در این منطقه نموده است. دولت اسرائیل زمین‌های واقع در مناطق تحت سیطرهٔ بارزانی را خریداری می‌کند و پس از آموزش نظری و عملی این خانواده‌ها در اسرائیل، آن‌ها را به شمال عراق می‌فرستد. اسرائیل در راستای منافع استراتژیک خود در تحقق کردستان بزرگ، علاوه بر حمایت‌های مالی در خرید اراضی اعراب ساکن کرکوک یا تحریک کردها به خارج ساختن اعراب و ترکمن‌ها از این شهر، تلاش وسیعی را برای بازگرداندن کُردهای یهودی به کرکوک و افزایش آمار آنان در سرشماری این شهر انجام می‌دهند. در این راستا؛ برای جابجایی جمعیتی و تغییر بافت جمعیتی شهر کرکوک از زمان اشغال عراق تاکنون، کُردها از مناطق مختلف به این

^۱ . Avigdor Lieberman 6

^۱ . Mickey Levy 7

^۱ - Oded Yinon 8

^{۱۹} - اسرائیل برپایه دکترین «اتحاد پیرامونی» درصدد جذب متحد از ملل غیرعرب منطقه همچون ترکیه، اتیوپی و بویژه کردستان است.

شهر سرازیر شده‌اند و با ترساندن ترکمن‌ها و اعراب یا حتی اعطای ۱۵ هزار دلار و یک قطعه زمین در شهرهای دیگر عراق به خانواده‌های عربی که به طور داوطلبانه از کرکوک خارج شوند؛ در صدد الحاق آن به کردستان هستند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۲).

۳،۲،۵. دسترسی به میادین نفتی کردستان عراق

اقلیم کردستان با دارا بودن چیزی در حدود پنجاه درصد از حوزه‌های نفت و گاز عراق از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. با توجه به اینکه نفت به عنوان سوختی فسیلی همچنان از ذخایر مقرون به صرفه انرژی به شمار می‌رود؛ قرار گرفتن حوزه‌های نفت و گاز عراق در اقلیم کردستان به منزله در اختیار داشتن ثروتی هنگفت است که اقلیم را از قدرت اجتماعی بالقوه‌ای برخوردار می‌کند. افزون بر این، موقعیت خاص جغرافیایی اقلیم کردستان و قرار گرفتن آن بر سر راه خطوط انتقال نفت به اروپا و نیز ترکیه سبب شده است این منطقه از عمق استراتژیک برخوردار باشد و برای دولت مرکزی اهمیتی ویژه پیدا کند (خداوردی و شیرزاده‌اصل شریانی، ۱۳۹۹: ۷۱). خانم «ژینت اسکاندرا» پژوهشگر فرانسوی و بنیانگذار انجمن «سنگ و درخت زیتون» بیان می‌دارد: «به نظر من موضوع درک حمایت اسرائیل از همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق ساده است؛ چون منطقه‌ای که کردهای عراق در آن قرار دارند دارای منابع سرشار از نفت است و از آنجایی که مسعود بارزانی به اسرائیل قول داده است تا نفت را تقدیم تل آویو کند؛ بنابراین یکی از دلایل حمایت اسرائیل از تجزیه عراق نیز همین موضوع است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۰). بیشتر صادرات عراق از میادین جنوبی انجام می‌شود، اما کرکوک یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین میادین نفتی خاورمیانه است که تخمین زده می‌شود حدود ۹ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال دارد. وجود ۱۰ درصد نفت عراق در استان تمیم که سبب اهمیت کرکوک برای گروه‌های داخلی عراق و کشورهای منطقه شده است؛ از نظر اسرائیل نیز مسأله بسیار حیاتی و مهمی تلقی می‌شود. بنابراین اسرائیل تلاش می‌کند تا با ایجاد روابط نزدیک با کردها و سرمایه‌گذاری در میادین نفتی کرکوک، به نفت این منطقه که میزان آن در آینده با عملیات‌های اکتشافی جدید ممکن است تا ۴۵ میلیارد بشکه افزایش یابد؛ دسترسی داشته باشد (Davidson, John, And Dmitry Zhdannikov, 2018: 3). از سوی دیگر، اسرائیل امیدوار است تا با ایجاد ارتباط با کردها و استفاده از اختیارات دولت محلی کردستان در قانون جدید نفت عراق، زمینه انتقال نفت این منطقه به اسرائیل، از طریق خط لوله کرکوک-حیفا که از سال ۱۹۴۸ تاکنون متوقف مانده است؛ را به وجود آورد (موسوی‌زاده و جاودانی‌مقدم، ۱۳۸۸: ۲۱۲). حمایت اسرائیل از یک کشور مستقل کردی صرفاً ریشه در دلایل ژئوپلیتیکی دارد. اسرائیل می‌خواهد جریان نفت از منطقه خودمختار کُرد را تضمین کند؛ اما مهم‌تر از آن، می‌خواهد یک دولت طرفدار اسرائیل ایجاد کند تا از تهدیدات جهان عرب در امان باشد. اسرائیل در حال حاضر ۷۷ درصد نفت خود را از اقلیم کردستان عراق وارد می‌کند. این میزان واردات برای اسرائیل بسیار مهم است؛ زیرا تل آویو به منابع طبیعی کشورهای نفت خیز خلیج فارس دسترسی ندارد (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۵۴).

۴،۳،۲،۵. تأمین منابع آب شیرین اسرائیل از شمال عراق

آب همواره موضوع استراتژیک مهمی در منطقه خاورمیانه بوده است. کمبود آب در سراسر منطقه وسیع خاورمیانه مسأله‌ای جدی است. با افزایش جمعیت و رشد توسعه اقتصادی در منطقه، تقاضا برای آب آشامیدنی بیشتر شده است. اکثر تحلیل‌گران معتقدند؛ موضوع جنگ‌های آینده خاورمیانه آب است. آب در خاورمیانه عامل امنیت و قدرت برای دولت‌هایی است که دارای ذخایر غنی آب هستند و این اعتقاد وجود دارد که آن‌ها می‌توانند از آب به عنوان اهری

برای اعمال فشار بر همسایگان خود استفاده کنند. بانک جهانی طی گزارشی اشاره کرده است که طی سال های ۱۹۶۰ تا ۲۰۲۵ سطح ذخایر آب قابل تجدید برای هر نفر در منطقه خاورمیانه از ۳۴۳۰ متر مکعب در سال، به ۶۶۷ متر مکعب کاهش خواهد یافت که علت آن به استفاده نادرست از منابع آب و وسعت بیابان ها و افزایش جمعیت بر می گردد؛ چرا که جمعیت خاورمیانه طی بیست سال آینده دو برابر خواهد شد. «پل سایمون»^۲، سناتور سابق آمریکایی در کتاب «بحران آینده آب در جهان و واکنش در قبال آن»، بیان می دارد: «بسیاری از درگیری ها بین اسرائیل و کشورهای عرب همسایه یا بر سر آب بود؛ یا اینکه ریشه در اختلافات مربوط به آب داشت» (عطارزاده، ۱۳۹۷: ۱۰۳). در این میان، یکی از مناقشات میان اعراب و اسرائیل در منطقه خاورمیانه همواره بر سر منابع آب بوده است. محدودیت منابع آب در اسرائیل یکی دیگر از عوامل مهم توجه این کشور به عراق را تشکیل می دهد. هم اکنون رود اردن تأمین کننده ۵۰ درصد نیازهای آب شیرین اسرائیل است. اسرائیل آب شیرین مورد نیاز خود را از طریق خطوط لوله و کانالهای آبرسانی از این دریاچه تأمین می کند. وجود ذخایر آب و سرچشمه های آب شیرین در شمال عراق باعث شده است که انتقال آب شیرین عراق از طریق اردن به اسرائیل جزو اهداف راهبردی اسرائیل قرار گیرد (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۱).

۶. تأثیر حضور اسرائیل در کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱.۶. ایجاد مطالبات جدید در میان کردهای ایران

استقلال اقلیم کردستان عراق بیشترین نتایج را برای اقلیم کردستان عراق در بردارد. در این میان، اسرائیل نیز همواره تلاش نموده است با حمایت از استقلال اقلیم کردستان، سطح مطالبات و انتظارات کردهای منطقه و به ویژه جمهوری اسلامی ایران را نیز افزایش دهد (Alnoami, 2015: 3). جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد که حدود ۵۰۰ کیلومتر آن متعلق به مناطق کردنشین است (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۳). یک مقام محلی در کردستان عراق گفت: «اقلیم کردستان و جمهوری اسلامی ایران هشت گذرگاه مرزی مشترک دارند که دارای چهار گذرگاه رسمی باشمخ^{۲۲}، پرویزخانی^{۲۳}، حاجی عمران^{۲۴} و شوشمی^{۲۵} و چهار گذرگاه غیررسمی هستند. ایران ۱۳۳۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد که حدود ۶۵۰ کیلومتر آن در امتداد اقلیم کردستان قرار دارد (bne Tehran bureau, 2024: 3).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی کردستان ایران

² . Paul Simon	1
² . Bashmakh	2
² . Parvizkhani	3
² . Haji Omran	4
² . Shoshmi	5

مآخذ: خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۱، ص ۲

فعالیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کردها در قالب دولتی کردنشین در کنار ایران سبب افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی کردهای ایران از دولت مرکزی خواهد شد و هر اندازه نقش نخبگان و سیاستمداران گردد در اداره حکومت اقلیم کردستان پررنگ‌تر شود، روند مطالبات سیاسی و اجتماعی کردهای ایران نیز سیر صعودی خواهد یافت. این مسأله چالشی برای امنیت ملی ایران و تمامیت ارضی این کشور به حساب می‌آید (دهنوی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۲).

۲.۶. سازماندهی فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی در مجاورت مرزهای ایران

موقعیت استراتژیک منطقه کردستان به دلیل همسایگی با ایران، سوریه، عراق و ترکیه این امکان را برای اسرائیل فراهم نموده است تا با حضور در منطقه و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در شمال عراق، فعالیت‌های جنوب ترکیه، عراق، سوریه و ایران را کنترل نمایند و امنیت جمهوری اسلامی ایران را به خطر اندازد. بسیاری از نخبگان نظامی اسرائیل در پوشش بازرگان و کارمندان شرکت‌های خصوصی اسرائیل در شمال عراق مشغول فعالیت هستند. از جمله اقدامات آن‌ها، راه‌اندازی سیستم هشداردهنده جاسوسی و اطلاعاتی در مرز مشترک ایران و آذربایجان در آسیای میانه و تکامل آن با راه‌اندازی سیستم جاسوسی افقی، در مرز ایران و کردستان است (اخوان‌کازمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲). علاوه بر این، اسرائیل به منظور فشار بر کشورهای ایران، ترکیه و سوریه بر اساس «نبرد متقارن» از کمک برخی گروه‌های گردد به منظور نفوذ در کشورهای منطقه برای انجام فعالیت‌های جاسوسی بهره‌مند می‌شود و به همین منظور اقدام به تسلیح، آموزش و تقویت این گروه‌ها به نام "پیشمرگه" نموده است. بعد از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، کردها برای اسرائیل اهمیت راهبردی پیدا کردند و نماینده یک قدرت متخاصم منطقه‌ای شدند که می‌توانست حکومت جدید تهران را بی‌ثبات کند. این امر به نوبه خود، به دشمنی در میان رهبران ایرانی دامن زد که می‌ترسیدند کردها بتوانند جای پای محلی عمیق‌تری به اسرائیل بدهند. موساد شبکه‌ای از جاسوسان را در منطقه کردستان عراق، همراه با آذربایجان و دیگر مناطق هم‌مرز با ایران حفظ کرده است (Silverstein, 2022: 2). سیمور هرش، روزنامه‌نگار آمریکایی، در سال ۲۰۰۴ در مورد چنین عملیات‌هایی در نیویورک گزارش داد: «نیروهای اطلاعاتی و نظامی اسرائیل اکنون بی‌سر و صدا در کردستان عراق مشغول به کار هستند و به واحدهای کماندویی گردد آموزش می‌دهند تا وارد ایران شده و سانسورها و قطعات حساس دیگری را برای نظارت بر تأسیسات هسته‌ای ایران به کار گیرند. عوامل اسرائیلی شامل اعضای موساد، سرویس اطلاعات خارجی مخفی اسرائیل است که در کردستان عراق به عنوان تاجر مخفیانه کار می‌کنند و در برخی موارد گذرنامه اسرائیلی ندارند» (Silverstein, 2022: 3). در همین راستا، پرس تی وی ایران در آگوست ۲۰۱۱ مدعی شد که قرار است شش هواپیمای بدون سرنشین، عوامل اطلاعاتی و کارشناسان نظامی همگی توسط نیروهای دفاعی اسرائیل به شمال عراق اعزام شوند و در مارس ۲۰۱۲ نیز گزارش شده است که اسرائیل از شمال عراق برای مأموریت‌های اطلاعاتی در ایران در جستجوی شواهدی مبنی بر ساخت کلاهک هسته‌ای توسط ایران استفاده می‌کند. علاوه بر این، در ماه مه ۲۰۱۲، عظیم حسینی، کنسول ایران در اربیل، ادعا کرد که اسرائیلی‌ها با گذرنامه‌ها، نام‌ها و پرچم‌های مختلف در منطقه اقلیم کردستان علیه ایران فعالیت می‌کنند (Agdemir, 2022: 72).

از دیگر تهدیدهای سخت امنیتی حضور اسرائیل در این اقلیم تحریک احساسات قومی و نژادی، پشتیبانی از احزاب تجزیه‌طلب گرددی با هدف ترغیب آنان به شورش‌های سازمان یافته و استفاده از قابلیت نظامی این گروه‌ها در مناطق کردنشین ایران می‌باشد. برای اسرائیل از هر جهت اهمیت دارد که با حضور در اقلیم کردستان عراق به مرزهای ایران نزدیک شود تا پایگاه‌های جاسوسی خود را در این اقلیم و در نزدیکی مرزهای غربی ایران فعال نماید. این رژیم در شمال

عراق هدف‌های منطقه‌ای را دنبال می‌کند و می‌کوشد چتر امنیتی و اطلاعاتی در مناطق گُردنشین ایران ایجاد کند (قاسمی حیدری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۴). حضور اسرائیل در شمال عراق و نزدیک شدن به مرزهای ایران برای اسرائیل بسیار حایز اهمیت است. با رفت و آمد عوامل اسرائیل در کردستان عراق، پایگاه‌های جاسوسی اسرائیل در مجاورت مرزهای ایران برپا خواهد شد. این رژیم با بسیج عوامل اطلاعاتی خود می‌تواند نواحی غربی ایران را به محدوده عملیات اطلاعاتی و جاسوسی خود تبدیل کند؛ به ویژه آن‌که منطقه کردستان عراق و ایران شرایط لازم را برای اجیر کردن عوامل محلی دارند. ایجاد پایگاه‌های شنود نزدیک مرزهای ایران، تمامی مراکز مخابراتی ایران را تا محدوده‌های وسیع در دسترس عوامل جاسوسی اسرائیل قرار خواهد داد و صهیونیست‌ها از شبکه عظیم جاسوسی برخوردار خواهند شد. پایگاه‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی در شمال عراق هدف‌های منطقه‌ای را دنبال داشته و در نهایت می‌کوشد تا یک جبهه امنیتی و اطلاعاتی در غرب ایران ایجاد کند. در واقع، حضور اسرائیل در عراق به عنوان تهدیدی جدی و چرخشی مهم در موازنه ژئوپلیتیکی ایران می‌باشد که امنیتی شدن سیاست خارجی ایران را در پی خواهد داشت (صادقی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۲). در واقع، حضور اسرائیل در عراق به عنوان تهدیدی جدی و چرخشی مهم در موازنه ژئوپلیتیکی است و به معنای تحمیل محاصره بر ایران و درهم شکستن پیمان استراتژیک ایران با سوریه و عراق و عاملی برای کسب امتیازهای سیاسی است.

۳.۶. ایجاد فدرالیسم و دولت مستقل گُرد در شمال عراق

یکی از نگرانی‌های مهم ایران نسبت به تحولات کردستان عراق، مربوط به شکل‌گیری دولت مستقل گُرد در شمال عراق است. بر این اساس، فدرالیسم ممکن است زمینه را برای تجزیه عراق فراهم کند و در صورت تشکیل دولت مستقل گُرد، شمال عراق به جولانگاه اسرائیل تبدیل می‌شود تا از این طریق به مرزهای ایران نزدیک و سیاست‌ها و اهداف خود را بهتر پیگیری نماید. ایجاد دولت مستقل گُرد حاوی بیشترین پیامدها برای نیروهای سیاسی گُرد در شمال عراق است و در واقع اهداف، آرمان‌ها و آرزوهای دیرینه گُردها را در بر دارد و مقامات اسرائیل در صددند تا با حمایت از استقلال اقلیم کردستان، سطح انتظارات و مطالبات کردهای منطقه و به ویژه ایران را افزایش دهند. این سناریو در صورت عملی شدن، بیشترین تبعات منفی امنیتی را برای ایران در بر خواهد داشت؛ زیرا در آن صورت، اقلیم کردستان بیشترین وابستگی را به غرب و ایالات متحده و اسرائیل خواهد داشت و اولویت‌های سیاسی آن نسبت به ایران بر اساس دیدگاه‌های آن‌ها صورت می‌گیرد. در این گزینه، احتمال دستکاری سیاسی در امنیت ایران به حداکثر می‌رسد و الگوهای سیاسی حاوی تهدیدهای امنیتی پس از استقرار دولت جدید مطرح شده و امنیت ملی ایران را به چالش خواهد کشید (حیدری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۲). با توجه به آن‌که ایران در زمره کشورهای قرار دارد که بیشترین سکنه گُرد را در خود جای داده است، استقلال کردستان عراق می‌توانست با آزادسازی گرایش‌های استقلال‌طلبانه جریانات گُردی همچون پژاک در داخل کشور، این مناطق را با ناامنی مواجه سازد. همچنین استقلال‌خواهی گُردها می‌توانست زمینه را برای طرح گرایش‌های استقلال‌طلبانه دیگر قومیت‌ها همچون عرب‌های اهوازی، بلوچ‌ها و دیگران نیز مهیا ساخته و از طریق فعال‌سازی این گرایش‌ها، سیاستمداران جمهوری اسلامی ایران را مجبور به تغییر در سیاست‌های خویش کرده و باعث معطوف نمودن توان نظامی و اطلاعاتی این کشور از خارج به داخل شود (رجبی، ۱۳۹۸: ۴۵).

۴.۶. شکل‌گیری کردستان بزرگ در غرب آسیا

وقتی که در بهار ۱۳۷۹، حزب دموکرات کردستان عراق، اساسنامه جدید خود را تنظیم و صویب نمود؛ در اولین صفحه آن به مسأله کردستان بزرگ اشاره نمود. بر این اساس، یکی از نگرانی‌های مهم ایران از شکل‌گیری فدرالیسم و دولت مستقل

ک رد در شمال عراق، زمینه‌ساز شدن این استقلال به شکل‌گیری و سازماندهی کردستان بزرگ در منطقه می‌باشد (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۵۹). پیدایش کردستان بزرگ از سوریه تا عراق، سناریویی است که بدون تردید اسرائیل آن را کلید زده است تا با تجزیه منطقه بتواند امنیت خود را تأمین کرده و معادلات را به سوی دیگر جهت‌دهی کند. در واقع، تشکیل «نوار کردی» متشکل از مرزهای ترکیه، سوریه و نهایتاً عراق، طرح سنتی اسرائیل مبنی بر تحقق بحث از نیل تا فرات را جامه عمل خواهد پوشاند که این امر تأثیر بسزایی بر امنیت ملی کشورهای گُردنشین منطقه از جمله؛ جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. با توجه به این‌که ایران، ترکیه، عراق و سوریه با استقلال دولت نوظهور اقلیم کردستان عراق مخالف هستند و همبستگی سازمانی منطقه‌ای با اقلیم کردستان عراق ندارند و در این منطقه، قطب‌های قدرت درون منطقه ای از انسجام لازم برخوردار نیستند؛ در نتیجه زمینه برای اثرگذاری قطب‌های برون منطقه‌ای فراهم می‌شود. این امر باعث سلطه امنیتی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اقلیم کردستان عراق و حرکت به سمت سازمان‌هایی منطقه‌ای همسو با اسرائیل و اتحاد استراتژیک با این رژیم می‌شود و حضور اسرائیل در کردستان عراق می‌تواند اوضاع امنیتی ایران را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهد (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

۵.۶. حمایت از برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق

در حالی که دولت اقلیم کردستان در ژوئن ۲۰۱۷ اعلام کرد که تصمیم به برگزاری همه‌پرسی استقلال در ۲۵ سپتامبر را گرفته است؛ علی‌رغم به تعویق افتادن تصمیمات قبلی پیرامون همه‌پرسی؛ اما این بار همه‌پرسی برگزار شد (Sari, 2021: 439). جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تاثیرگذاری این همه‌پرسی بر جمعیت کُرد ایران، نگران نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان و هم‌مرز شدن آن با جمهوری اسلامی ایران و از سویی، فعال شدن برخی احزاب معارض ایران مانند «کوموله» و «پژاک» است. این مسأله نیز سبب نگرانی‌های داخلی ترکیه درباره تحرکات جدایی‌خواهانه جمعیت کُرد و افزایش فعالیت «پ.ک.ک» علیه آنکارا شده است. از این‌رو، تهران و آنکارا با قاطعیت با همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق مخالفت کردند و حتی این موضوع سبب نزدیکی بیشتر دو کشور شده است؛ به گونه‌ای که پس از برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان ابتدا ژنرال «حلوصی آکار» رئیس ستاد ارتش ترکیه و سپس رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، به تهران سفر و با مقامات نظامی و سیاسی ایران حول محور مخالفت با جدایی کردستان از عراق دیدار و گفت‌وگو کردند (سمیعی اصفهانی و فرحمند، ۱۳۹۸: ۱۵۶). بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران، طرح همه‌پرسی در اقلیم کردستان را توطئه‌ای اسرائیلی-آمریکایی در منطقه قلمداد نمود که هدف آن بی‌ثباتی مرزهای جمهوری اسلامی ایران، خدشه به محور مقاومت، جبران شکست نیروهای تکفیری داعش و بهانه‌های جدید برای حضور مجدد ایالات متحده در منطقه می‌باشد.

علی‌رغم این واقعیت که همه‌پرسی به اعلام مستقیم استقلال منجر نشد؛ اما تأثیر قابل توجهی بر تحولات منطقه داشت. همه‌پرسی استقلال شمال عراق باعث شد که اصل خودتعیینی که یکی از بحث برانگیزترین موضوعات قرن بیستم تلقی می‌شود؛ دوباره در خاورمیانه مطرح شود. در این زمینه، ایران کشوری است که بیشترین مشکلات را از نظر تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی در منطقه دارد و از این نظر بالاترین سطح حساسیت را دارد (Uzman And Balci, 2017). استقلال‌خواهی اقلیم کردستان عراق سبب رشد و تقویت احساسات ناسیونالیسم قومی در میان کُردهای کشورهای منطقه می‌شود. این امر آنان را با موجی از احساسات ناسیونالیستی روبه‌رو و امنیت سیاسی و اجتماعی کشورهای منطقه را با چالش مواجه می‌کند و منطقه را به سمت بی‌ثباتی سوق خواهد داد. از این‌رو، رشد ناسیونالیسم کردی منطقه چالشی برای امنیت ملی ایران و تمامیت ارضی ایران به شمار می‌آید (دهنوی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۲). همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان می‌تواند احساسات جدایی‌طلبانه در استانهای سنی‌نشین هم‌مرز با سوریه را نیز تشویق کند که در این صورت، برنامه‌های

ایران برای حفظ یک کریدور دسترسی آسان به سوریه، لبنان و مدیترانه را به خطر می‌اندازد. با موفقیت فدرالیسم در عراق، توان چانه‌زنی آمریکا در مقابل سایر بازیگران منطقه‌ای به خصوص ایران که به عنوان بازیگر منطقه‌ای مخالف آمریکا مطرح است؛ افزایش می‌یابد و از طرفی دیگر، امکان واگذاری پایگاه‌هایی به ارتش آمریکا توسط دولت خودمختار کُرد در شمال عراق نگرانی‌ها را برای تهران بیشتر می‌کند (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۶۰).

۶،۶. تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران

رژیم اسرائیل با حمایت‌های مالی و معنوی خود از اقلیم کردستان عراق، علاوه بر این‌که سعی در هویت‌سازی بر پایه ناسیونالیسم کُردی در شمال عراق را دارد؛ تلاش می‌نماید این توانایی را در اختیار کردهای مقیم کشورهای ایران، ترکیه و سوریه نیز قرار دهد تا وضعیت خود را نسبت به آینده توجیه و حکومت اقلیم کردستان عراق را به عنوان یک الگوی الهام‌بخش پیش‌روی خود قرار دهند. این امر می‌تواند یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد و بر دامنه تعارضات اجتماعی افزوده و مخالفان داخلی را با عوامل خارجی مرتبط نماید و در نهایت می‌تواند به ایجاد خلل در مشروعیت منجر گردیده و به تبع آن باعث تضعیف قدرت، امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز گردد (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۶۱). حضور مداوم اسرائیل در شمال عراق، جمهوری اسلامی و مرزهای غربی آن را با تهدیدی به نام همسایه ناخوانده روبه‌رو می‌کند. پراکندگی جغرافیایی کُردها، عملیات جمع‌آوری پنهان اطلاعاتی جاسوسان موساد را تسهیل کرده و حضور آنان در این اقلیم که منجر به توسعه نفوذشان میان کُردها گردیده، نشانه برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت این رژیم در شمال عراق است. حتی اگر حضور آنان موقت باشد؛ باز هم تهدیدی جدی علیه ایران و ثبات منطقه می‌باشد. درواقع حضور اسرائیل در این اقلیم از تهدیدهای سخت امنیتی و به معنای حصر مرزهای غربی و شمال غرب ایران است (قاسمی حیدری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۵-۱۰۴).

۷،۶. ایجاد اهرم بازدارنده و هم وزن حزب‌الله علیه ایران در کردستان عراق

روابط بسیار نزدیک حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف به ویژه باورهای اعتقادی از یک‌سو و مهم‌تر از آن، موقعیت مکانی حزب‌الله لبنان در جنوب این کشور و هم مرزی با اسرائیل، موجب شده تا این جنبش به یکی از تهدیدهای مهم امنیتی اسرائیل تبدیل شود. به همین سبب، یکی از برنامه‌هایی که اسرائیل همیشه به دنبال تحقق آن بوده، ایجاد اهرم بازدارنده و هم وزن حزب‌الله در مقابل ایران است؛ زیرا حزب‌الله لبنان همواره به عنوان اهرم فشاری علیه اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده؛ در حالی که این رژیم از داشتن چنین اهرمی در مرزهای ایران محروم بوده است. لذا اعزام مأموران اطلاعاتی اسرائیل تحت پوشش تجارت و بازرگانی به شمال عراق، تشدید حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا و به ویژه اسرائیل از گروه‌های مسلح کردی (پ.ک.ک و پژاک) و آموزش آن‌ها در کوه‌های قندیل کردستان عراق توسط اسرائیل و اطلاق نام "مبارزان آزادی" به آن‌ها و تقویت توان نظامی و عملیاتی پژاک، در راستای شبیه سازی مدل حزب‌الله لبنان در برابر اسرائیل در منطقه کردستان علیه ایران محسوب می‌شود که هزینه‌های امنیتی فراوانی را می‌تواند بر ایران تحمیل نماید (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۱-۲۰).

۷. تلاش ایران و کردستان عراق برای ارتقای امنیت در امتداد مناطق مرزی

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در اولین سفر خارجی خود از زمان روی کار آمدن در ماه ژوئیه، در رأس یک هیئت بلندپایه سیاسی و اقتصادی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۴، وارد بغداد شد. پزشکیان بعد از دیدار با مقامات عراقی در ۱۲ سپتامبر

از اربیل بازدید کرد تا با سه رهبر برجسته کرد، نجیروان بارزانی^۶، رئیس اقلیم کردستان، مسرور بارزانی^۷، نخست وزیر اقلیم کردستان و مسعود بارزانی^۸، رهبر حزب دموکرات کردستان، دیدار کند. نجیروان بارزانی، اولین سفر رئیس جمهور ایران به منطقه را ستود و آن را «روزی تاریخی» توصیف کرد. وی در یک کنفرانس خبری مشترک، این سفر را نشانه تعمیق دوستی ایران و کردستان خواند و گفت که مسائل امنیتی محور اصلی است. در بیانیه دفتر نجیروان بارزانی آمده است: «اقلیم کردستان هرگز تهدیدی برای ایران و کشورهای همسایه نخواهد بود و اربیل به توافق امنیتی امضاء شده بین عراق و ایران در مارس ۲۰۲۳ احترام می گذارد. دولت مرکزی عراق به رهبری محمد شیعه السودانی، نخست وزیر این کشور، در مارس ۲۰۲۳ توافقنامه امنیتی با ایران امضاء کرد و متعهد شد که گروه‌های مخالف را خلع سلاح کرده و آن‌ها را به اردوگاه‌های جدید و دور از مرز ایران منتقل کند» (The Cradle, 2024: 2). ایران در گذشته دولت اقلیم کردستان را به میزبانی سازمان اطلاعات اسرائیل موساد و گروه‌های مسلح کرد ایران متهم کرده بود که به آن‌ها اجازه می‌دهد از مناطق مرزی عراق به عنوان سکوی پرتاب برای حملات علیه ایران استفاده کنند. تهران قبل از انعقاد توافقنامه امنیتی با عراق، در سال ۲۰۲۲ حملات موشکی و پهپادی را در شمال عراق علیه به گروه‌های شورشی در کردستان انجام داد. مقامات ایران اذعان دارند که گروه‌های شورشی کرد با قاچاق سلاح از عراق به انجام حملاتی علیه نیروهای امنیتی خود مبادرت می‌ورزند. در سفر پزشکیان به عراق، مقامات ایرانی اذعان داشتند که «تهران از بغداد خواسته تا اعضای این گروه‌های شورشی کرد را تحویل دهد» (Mahmoud, 2024: 3).

نجیروان بارزانی اذعان داشت که یکی از دغدغه‌های اصلی ایران تأمین امنیت در امتداد مرزهای خود و کاهش نفوذ گروه‌های مخالف کرد است که بسیاری از آن‌ها در منطقه کردستان فعالیت می‌کنند. بارزانی تأکید کرد: «ایران نسبت به وضعیت امنیتی به ویژه با حضور نیروهای آمریکایی در منطقه بسیار نگران است». این سفر فرصتی برای ایران است تا منافع خود را به ویژه با توجه به رویارویی‌های مستمر با آمریکا در سایر زمینه‌ها تقویت کند. پزشکیان در دیدار با مقامات کردستان عراق، نیز بر اهمیت تلاش‌های مشترک برای ارتقای امنیت در منطقه مرزی ایران و عراق تأکید کرد. هدف از سفر پزشکیان به عراق جلب حمایت عراق از اهداف کلان منطقه‌ای ایران به ویژه در زمینه همکاری امنیتی و مخالفت با حضور نظامی خارجی در منطقه بود (Shafaq News, 2024: 3). از این‌رو، تهران در شرایط تشدید تنش‌ها میان خود و رژیم اسرائیل که جنگ نسل‌کشی علیه فلسطینیان در نوار غزه را آغاز کرده و به اقدامات بی‌ثبات کننده خود در منطقه ادامه می‌دهد؛ در صدد تقویت ائتلاف‌های استراتژیک با عراق بر آمده است. برای ایران، حفظ ثبات در همسایه عراق، و در نتیجه، منطقه کردستان، بسیار مهم است؛ زیرا به دنبال به حداقل رساندن تهدیدهای ناشی از حضور ایالات متحده در این منطقه است. ایران امیدوار است با ایجاد روابط نزدیکتر با عراق و دیگر همسایگان، ثبات و امنیت در منطقه را ارتقاء دهد و به طور جمعی با تهدیدات از جمله تهدید اشغالگران صهیونیست مبارزه کند.

۸. سیاست مشترک ایران و کردستان عراق در گسترش مبادلات تجاری

^۲ . Nechirvan Barzani

6

^۲ . Masrour Barzani

7

^۲ . Massoud Barzani

8

عراق شریک تجاری اصلی ایران است که ۱۰ میلیارد دلار کالا از جمله دارو، محصولات کشاورزی، مصالح ساختمانی و مواد غذایی وارد می‌کند. برنامه‌هایی برای افزایش حجم تجارت فعلی به ۲۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۸ در حال انجام است. در بُعد اقتصادی، اقلیم کردستان و ایران مشتاق به تعمیق همکاری هستند. تجارت بین طرفین در سال‌های اخیر رونق گرفته است و انتظار می‌رود که مقامات دو طرف در مورد راه‌های گسترش بیشتر روابط اقتصادی گفتگو کنند. نچیروان بارزانی به افزایش چشمگیر صادرات ایران به اقلیم کردستان به عنوان شاخصی از رشد روابط اقتصادی اشاره کرد (Islamic Republic News Agency, 2024: 1). بر اساس آمارهای غیررسمی، نزدیک به ۸۰ درصد کالاهای بازارهای اقلیم کردستان از ایران به ویژه استان‌های سلیمانیه و حلبچه وارد می‌شود. کانال تلویزیونی ۸ کردستان عراق گزارش داد: ۵۰۰ شرکت و کارخانه ایرانی در منطقه فعالیت می‌کنند که شامل ۳۵۰ شرکت و ۱۵۰ کارخانه است. مصطفی شیخ عبدالرحمن^{۲۹} رئیس اتحادیه واردکنندگان و صادرکنندگان اقلیم کردستان، بیان داشت که تجارت سالانه بین اقلیم کردستان و ایران بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار است. برآوردها حاکی از آن است که تجارت در شش ماه اول سال ۲۰۲۴ به ۳٫۵ میلیارد دلار رسیده است (bne Tehran bureau, 2024: 1). روابط تهران و بغداد به ویژه با توجه به کمک ایران به عراق در مبارزه با گروه تروریستی داعش از اهمیت راهبردی برخوردار است. استراتژی بلندمدت ایران در عراق همچنان بر حفظ نفوذ خود در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی متمرکز است.

۸. تجزیه و تحلیل

اسرائیل طی نیم قرن گذشته به منظور فرار از انزوا و فروبستگی محیط امنیتی پیرامونی، سعی در ایجاد روابطی راهبردی با کشورها و قومیت‌های غیرعرب منطقه داشته است. بهره‌برداری از این فرصت از راهکارها و سیاست‌های بنیادین اسرائیل در غرب آسیا برای خروج از محاصره ژئوپلیتیکی بوده است. در این استراتژی، اهمیت و جایگاه کردهای عراق همواره ویژه بوده است. روابط این رژیم و اقلیم کردستان عراق از زمان آژانس یهود به طرق مختلف تداوم داشته است. اسرائیلی‌ها و کردها غالباً دشمنان مشترکی دارند و این امر باعث ایجاد اتحاد راهبردی بین آن‌ها شده است. برای اسرائیل، کردها سپر راهبردی علیه اعراب و جهان اسلام خواهند بود و برای کردها، اتحاد قوی با اسرائیل علاوه بر این که نیازهای نظامی آن را تأمین می‌کند؛ راهی عمده برای نزدیکی آن‌ها به واشنگتن خواهد بود. از این رو، برقراری روابط حسنه اسرائیل و اقلیم کردستان عراق و حمایت از استقلال طلبی این منطقه سبب رهایی از حصر و تنگنای استراتژیک کنونی تل‌آویو خواهد شد که این امر راهی به سوی تسلط بر عراق، کنترل ایران و تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا خواهد گشود و معادلات و نظم منطقه‌ای را در راستای اهداف و منافع منطقه‌ای اسرائیل تغییر خواهد داد. در واقع، عدم امکان برقراری صلح با دولت‌های عربی همسایه، اسرائیل را به ایجاد ارتباط با کشورهای غیرعرب پیرامونی و اقلیت‌های غیرعرب مانند کردها واداشته است. از این رو، اسرائیل از زمان پیدایش، با کردهای عراق در ارتباط بوده و سعی در حمایت، آموزش و تجهیز آنها بر علیه دولت عراق داشته است. این رژیم با تاریخ‌سازی‌ها و مطرح کردن دردها و تجارب مشترک میان یهودی‌ها و کردها در تلاش برای حضور گسترده در اقلیم کردستان عراق و پیگیری اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود در غرب آسیا برآمده است. مهمترین دلیل و انگیزه اسرائیل برای برقراری رابطه با کردستان عراق، پیشبرد استراتژی پیرامونی خود است. هدف اصلی تل‌آویو از پیگیری استراتژی پیرامونی، داشتن هر چه بیشتر متحدان برای محافظت از خود در برابر همسایگان متخاصم منطقه‌ای و شکستن دایره دشمنی اعراب خواهد بود. به عبارت دیگر، پس از تشکیل اسرائیل و تدوین استراتژی پیرامونی با هدف اتحاد اقلیت‌های قومی و مذهبی غیرمسلمان و کشورهای غیرعرب در غرب آسیا، ایده ایجاد «کردستان بزرگ» در بین

²⁹ . Mustafa Sheikh Abdul Rahman

صهیونیست‌ها شکل گرفت (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵). لازم به ذکر است که اکثر اطلاعات مربوط به روابط پنهانی کردها و تل‌آویو در ابعاد نظامی، مالی و اطلاعاتی همواره توسط صهیونیست‌ها فاش شده است. دلیل تمرکز اسرائیل بر کردهای عراق این است که تاریخ مبارزات کردهای عراق برای استقلال طولانی‌تر از کردهای دیگر کشورهای منطقه است. کردستان عراق بر خلاف کردهای دیگر کشورهای منطقه از انسجام داخلی بیشتری برای تشکیل دولت مستقل برخوردار است. این انسجام پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و شکل‌گیری ساختار فدرال حکومتی در آن کشور افزایش یافت. بر این اساس، از زمان حمله آمریکا به عراق، حضور اسرائیل در اقلیم کردستان این کشور افزایش یافته است. گسترش حضور صهیونیسم در این دوره از طریق گسترش فعالیت‌ها و روابط اقتصادی با اقلیم کردستان بود. اما تل‌آویو همچنان حضور اطلاعاتی، نظامی و امنیتی خود را در منطقه کردستان عراق در اولویت قرار داده است. پس از ظهور داعش، همکاری اسرائیل و اقلیم کردستان با آموزش نظامی به کردها، عملیات جاسوسی علیه حضور نظامی ایران در عراق و سوریه همراه بوده است. دلیل دیگر اسرائیل برای تمرکز بر کردستان عراق، موقعیت استراتژیک این منطقه در میان چهار کشور درگیر در مسئله کردها یعنی ایران، عراق، ترکیه و سوریه است. به عبارت دیگر، تجزیه عراق می‌تواند منجر به دومینوی تجزیه طلبی در دیگر کشورهای کردنشین شود. در عین حال، به همان اندازه که مسأله کردها مواضع چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه را در برابر استقلال کردستان نزدیک کرده است؛ تشکیل کردستان مستقل می‌تواند به واگرایی مناطق گردنشین از دولت مرکزی کشورهای مذکور منجر شود. جدایی کردها از دولت مرکزی در کشورهای گردنشین، بحث جدایی قومیت‌های دیگر را نیز برانگیخته است (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۵۷). در واقع، صهیونیست‌ها تغییر ژئوپلیتیک را تنها راه حل بحران امنیتی خود و خروج از انزوای منطقه می‌دانند.

علاوه بر همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی، فعالیت‌های اقتصادی اسرائیل در اقلیم کردستان از دیگر جنبه‌های مهم دوجانبه روابط کردها و صهیونیست‌ها است. این فعالیت‌ها با حضور شرکت‌های تجاری صهیونیسم و سرمایه‌گذاری آن‌ها در کارخانه‌های صنعتی، صنایع نفت و گاز، زیرساخت‌های حمل و نقل و کشاورزی اقلیم کردستان انجام می‌شود. اسرائیل یکی از تأمین‌کنندگان کالاهای تجاری و مصرفی برای اقلیم کردستان عراق است. عامل نفت یکی از اهداف استراتژیک اسرائیل در کردستان عراق است. تل‌آویو منابع نفتی خود را از طریق روابط نزدیک با اقلیم کردستان عراق تأمین می‌کند؛ زیرا بیشتر ذخایر نفت عراق در مناطق شمالی کشور به ویژه در شهرهای گردنشین کرکوک و سلیمانیه قرار دارد. در دو دهه اخیر، اختلافات زیادی بین دولت مرکزی عراق و کردها بر سر کنترل کرکوک وجود داشته است. این منطقه یکی از ثروتمندترین شهرهای عراق است که برآورد می‌شود ۴۰ درصد از صادرات نفت عراق را به خود اختصاص می‌دهد. بسیاری از ناظران بین‌المللی نیز وجود همکاری‌ها بین کردستان عراق و اسرائیل برای خارج کردن کرکوک از کنترل دولت مرکزی عراق را تأیید می‌کنند. زمانی که اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ همه‌پرسی استقلال برگزار کرد؛ برخی از مردم در این منطقه پرچم اسرائیل را در کنار پرچم کردستان عراق به اهتزاز درآوردند. در میان واحدهای سیاسی منطقه، اسرائیل تنها رژیمی است که حمایت خود را از استقلال اقلیم کردستان عراق اعلام کرده است. این حمایت تنها برای انتقال تهدیدات امنیتی از مجاورت جغرافیایی سرزمین‌های اشغالی فلسطین به مرزهای ایران است. این رژیم با حضور در این اقلیم درصدد است قلمرو مرزی خود را تا نزدیکی مرزهای غربی ایران گسترش دهد تا مانع نفوذ منطقه‌ای ایران گردد و با ایجاد بحران در منطقه گردنشین ایران پروژه مشابه تجزیه عراق را در این منطقه رقم بزند و با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی و جغرافیایی این اقلیم زنجیره میان شیعیان را که از پاکستان تا لبنان کشیده شده است، قطع نماید (قنبری و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۳). در

واقع، یکی از راهکارهای بنیادین این رژیم در منطقه و به ویژه عراق در راستای مشروعیت بخشیدن به موجودیت خود و گسترش عمق استراتژیک، ترغیب و حمایت همه‌جانبه از استقلال کردها بوده است.

اسرائیل با استفاده از مزیت جغرافیایی اقلیم کردستان و با پیگیری اقدامات مخرب علیه امنیت ملی ایران، ضمن تضعیف روابط ایران و همسایگان، به دنبال مقابله با قدرت و نفوذ روزافزون تهران و تضعیف ژئوپلیتیکی محور مقاومت در منطقه است. اسرائیل امیدوار است که کردستان مستقل و دموکراتیک، توازن قوا را در خاورمیانه به گونه‌ای تغییر دهد که برای اسرائیل مفید باشد. ظهور یک کشور دوست در کردستان عراق، قدرت فزاینده ایران در منطقه را متعادل می‌کند و مانع ایجاد کریدور شیعی بین ایران، عراق و سوریه می‌شود. برقراری روابط با کردستان مستقل همچنین به معنای کاهش بیشتر انزوای منطقه‌ای اسرائیل و امکان همکاری باز اقتصادی و نظامی است. از این‌رو، رژیم اسرائیل همواره ایجاد یک کشور مستقل کردی را فرصتی برای تقویت موقعیت این رژیم در منطقه غرب آسیا می‌داند. اسرائیل با حضور خود در این اقلیم راهبرد فشار بر ایران را دنبال می‌کنند. زیرا جمهوری اسلامی همواره از حزب‌الله لبنان حمایت کرده و از آن به عنوان اهرم فشاری علیه تل‌آویو استفاده می‌نماید. لذا اسرائیل در تلاش است تا با تشکیل گروه‌های شبه‌نظامی از کردها، اهرم فشاری مانند حزب‌الله لبنان در منطقه علیه ایران به وجود آورد. هدف مقامات تل‌آویو از این استراتژی بهره‌برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی برای راهاندازی جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه و تقویت حضور دائمی نیروهای نظامی و اطلاعاتی خود در مرزهای غربی ایران و کشورهای محور مقاومت می‌باشد. حضور اسرائیل در این اقلیم و حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب کردی که پایگاه‌های متعدد نظامی در اقلیم دارند و همچنین راهاندازی سامانه‌های جاسوسی این رژیم در مناطق مرزی کردنشین ایران، موجب اشraf اطلاعاتی و نظامی تل‌آویو در این مناطق گردیده است (خاطرخواه آناقیز و پوستین‌چی، ۱۴۰۱: ۵۶). سناریوی استقلال‌خواهی کردها را باید سناریوی کردستان بزرگ نامید که کلید تحرکات قومی و اهرم فشاری در دستان اسرائیل برای کنترل کشورهای کردنشین منطقه است. در واقع، اسرائیل با کمک به استقلال کردها تلاش می‌کند تا به ظهور کردستان به عنوان متحد جدید خود در خاورمیانه دست یابد. این مسأله با توجه به انزوای کردستان و اسرائیل در میان همسایگان و منافع دو جانبه، سبب اتحاد آنان در مقابله با دشمن مشترکشان شده است. لذا اسرائیل، کردستان را به عنوان نقطه اتکایی علیه اعراب و دولت‌های اسلامی و متحد استراتژیک خود در منطقه می‌داند. اسرائیل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران، قدرت چانه‌زنی خود را در منطقه نیز بالا خواهد برد؛ زیرا اسرائیل خواهد توانست مسأله جدایی‌خواهی قومی را تبدیل به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های امنیتی تهران نماید و از این طریق اهرم فشار استراتژیکی را علیه تهران به دست گیرد. در نهایت می‌توان می‌گفت؛ توجه به این که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تابعی از مجموعه تحولات داخلی و تحرکات حادث در محیط امنیتی پیرامونی این کشور می‌باشد؛ لذا پیشبرد تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق با حمایت رژیم اسرائیل، می‌تواند به ایجاد مطالبات جدید در میان کردهای مقیم جمهوری اسلامی ایران، گسترش اختلافات قومی و فرقه‌ای در عراق و کشورهای در بر دارنده اقلیت کرد، نگرانی از شکل‌گیری کردستان بزرگ، تشدید اقدام‌های کنترلی و جاسوسی اسرائیل بر علیه جمهوری اسلامی ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل حضور و نفوذ ایران در منطقه و تهدید یکپارچگی و انسجام قومیتی جمهوری اسلامی ایران منجر گردد (اخوان‌کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶). در راستای مقابله با اثرات سوء و تهدیدات ناشی از تمایلات استقلال‌خواهانه اقلیم کردستان عراق با حمایت رژیم اسرائیل بر منافع به ویژه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد تهران، ضمن حفظ و توسعه روابط خود با اقلیم کردستان عراق و تثبیت همکاری‌ها با این منطقه، بر یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور عراق تأکید نموده و تلاش نماید تا اختلافات و تنش‌های میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق کاهش یابد.

همکاری‌های گسترده میان جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان عراق به خصوص در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی، ضمن احترام به دولت مرکزی عراق، می‌تواند نقش به سزایی در کاهش حضور و نفوذ تل‌آویو در اقلیم کردستان عراق و در جوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از طرفی، ارتقای کیفیت زندگی کردهای مقیم ایران و توسعه اقتصادی، فرهنگی و سرمایه‌گذاری در مناطق کردنشین و همچنین مشارکت بیشتر اقلیت‌های کُرد در مسئولیت‌های اجرایی جمهوری اسلامی ایران، نیز سبب همگرایی بیشتر این اقلیت با دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و حتی مشروعیت نظام را در مناطق کردنشین بیش از پیش ارتقاء خواهد داد.

۸. نتیجه‌گیری

کردستان عراق در منطقه‌ای واقع شده که هم‌مرز با کشورهای ترکیه، سوریه و ایران است و در مناطق مرزی خود با این کشورها دارای اقلیت کردنشین قابل توجهی است. از سوی دیگر، این منطقه در سال‌های اخیر به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دست یافته و با برخی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای رابطه برقرار نموده است. اسرائیل که بزرگترین دشمن خود را جمهوری اسلامی ایران می‌داند؛ برای دفاع از خود و اشراف بیشتر بر ایران، در صدد ایجاد رابطه با اقلیم کردستان برآمد تا با حضور در این منطقه، ضمن استفاده از منابع نفت و گاز، از استقلال آن حمایت نموده تا ضمن ایجاد کشوری زیر سلطه خود، پایگاهی در کنار ایران داشته باشد که این موضوع می‌تواند امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار دهد. وجود منابع نفت و گاز در منطقه کردستان عراق و نیاز اسرائیل به این منابع، زمینه حضور و ایجاد رابطه با اقلیم کردستان را برای این رژیم افزایش داده است. بنابراین، اسرائیل در صدد حضور بیشتر در کردستان عراق و ایجاد رابطه درازمدت و استراتژیک با آن برآمده است. روابط میان اسرائیل و اقلیم کردستان از گذشته و حتی پیش از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، در قالب فعالیت‌های آژانس یهود در کردستان عراق وجود داشته؛ اما شکل‌گیری تحولات جدید ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در عرصه بین‌الملل، طرح ایده خاورمیانه جدید یا خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا، سپس اشغال نظامی عراق و طرح مسأله فدرالیسم در قانون اساسی عراق پس از صدام، زمینه را برای حضور گسترده اسرائیل در مناطق شمالی عراق و طراحی و اجرای برنامه‌های راهبردی در راستای دستیابی به اهداف استراتژیک خود در این منطقه و خاورمیانه را فراهم کرد. در منطقه خاورمیانه اسرائیل تنها حامی تشکیل یک دولت مستقل کردی است و در چارچوب دکترین امنیتی خود می‌کوشد تا با حمایت از استقلال کردستان فشارها را بر خود کاهش دهد. حضور و نفوذ اسرائیل در این اقلیم مبتنی بر دکترین محیط پیرامونی می‌باشد که به دنبال یافتن یک متحد جدید در خاورمیانه بوده است. حضور اسرائیل در اقلیم کردستان با توجه به اهداف و منافع که در این منطقه دارد؛ می‌تواند امنیت ملی ایران را با چالش مواجه کند و در واقع می‌توان گفت که این رژیم با حضور در اقلیم کردستان، فاصله جغرافیایی خود را با ایران کاهش داده و این موضوع می‌تواند بر امنیت ملی ایران تاثیر منفی داشته باشد.

تحولات ژئوپلیتیک منطقه و تلاش‌گردها برای دستیابی به خودمختاری در پرتو شرایط جدید، فرصت مناسبی را برای حضور اسرائیل در مناطق شمالی عراق فراهم نمود تا با حمایت از کُردها و تشویق آنان زمینه را برای تجزیه عراق و تعقیب و تحقق ادعاهای ارضی عراق در این سرزمین فراهم نماید. طرح شعارهای «اسرائیل بزرگ» و سرزمین مقدس «نیل تا فرات» ابعادی از ماهیت ادعاهای ارضی اسرائیل و اهداف استراتژیک آن را آشکار می‌سازد. چنین ادعاهایی که مدت‌ها قبل از تشکیل دولت اسرائیل در میان صهیونیست‌ها مطرح بوده است؛ پس از سرنگونی صدام با طراحی دقیق‌تر و جدیت بیشتری پیگیری می‌شود. حضور اسرائیل در مناطق شمالی و کردستان عراق با اندیشه تصاحب سرزمین بین‌النهرین به عنوان یک هدف استراتژیک در طرح‌های صهیونیستی سیاسی و مذهبی تلقی می‌گردد (قنبری و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۱). لذا

با توجه به پیوند هر گونه تحولی در وضعیت کردها با امنیت ملی ایران، به ویژه با نظر به دیدگاه خصمانه متقابل تهران و تل‌آویو نسبت به همدیگر، تعاملات سیاسی-امنیتی اسرائیل و کردها اهمیت مضاعف یافته و حضور و نفوذ اسرائیل در این منطقه حساس می‌تواند پیامدها و معضلات امنیتی قابل توجهی را برای جمهوری اسلامی ایران در بر داشته باشد (اخوان-کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳).

بدون شک، اگر اسرائیل و آمریکا بتوانند وضعیت اقتصادی و معیشتی، سیاسی و فرهنگی اقلیم کردستان عراق را سروسامان دهند؛ طبعاً تأثیرات نامطلوبی بر اذهان کردهای ایران خواهد گذاشت. کردستان عراق دارای عناصر و مؤلفه‌هایی برای استقلال است و با توجه به امکانات و شرایط و محدودیت‌های موجود در تلاش برای تشکیل دولت مستقل کردی است. اما در شرایط کنونی، با توجه به موانع و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، امکان اعلام استقلال را ندارد. برآوردها حاکی از آن است که رشد ناسیونالیسم کردی و شرایط و تحولات کنونی عراق و منطقه، وزن بالای ژئوپلیتیک اقلیم کردستان و حمایت‌های برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله اسرائیل، آمریکا و اتحادیه اروپا، از اصلی‌ترین منابع تقویت کننده حرکت اقلیم کردستان به سوی استقلال هستند. با این حال، در حال حاضر آمریکا از استقلال کردستان عراق حمایت نمی‌کند و خواهان استمرار وضعیت کنونی اقلیم کردستان به شیوه فدرالی و خودمختاری موجود است. انزوای ژئوپلیتیکی، مسأله کرکوک، اختلافات داخلی احزاب اصلی کردی و مخالفت ترکیه، ایران و برخی کشورهای عربی منطقه با تجزیه عراق از مهم‌ترین موانع پیش‌روی شکل‌گیری دولت مستقل کردی در شمال عراق هستند. در این میان، لازم است جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از بروز هرگونه ناامنی در مرزهای غربی خود، مناسبات گسترده‌ای را با مقامات اقلیم کردستان عراق دنبال کند و از سویی، با هماهنگی و همراهی عراق، ترکیه و سوریه مانع برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق شود تا زمینه الگوپذیری مناطق گردنشین از سیاست‌ها و اقدامات کردستان عراق در آینده فراهم نشود.

کتابنامه

۱. احمدی، حسین و علی مرادی و مرتضی اباذری (۱۴۰۱)، «نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در استقلال کردستان عراق با تأکید بر نقش ایران، اسرائیل و آمریکا»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۱۸۸۵-۱۹۰۰
۲. احمدی سیلوه، جمال و محمدرضا حافظنیا و ریاز قربانی‌نژاد (۱۴۰۱)، «تبیین ادراک ژئواکونومی کشورهای همجوار نسبت به دولت منطقه‌ای کردستان عراق»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره سوم، صص ۱-۳۰
۳. احمدی نوحدانی، سیروس و مصطفی قادری حاجت و حمیدرضا یوسفی (۱۴۰۰)، «تبیین چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران و فرانسه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفدهم، شماره سوم، صص ۱-۳۱
۴. اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی (۱۳۹۰)، «کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۶۰، صص ۱۶۸-۱۴۱
۵. اخوان کاظمی، مسعود و فرزاد رستمی و حامد شاهملکی (۱۳۹۶)، «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۱۹-۴۰
۶. اسلامی، مسعود و علی شمس‌آبادی (۱۳۹۷)، «عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره سوم، صص ۶۳-۹۴
۷. اسمعیل پورروشن، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، «ژئواستراتژی کردستان عراق: بررسی استراتژی‌های ایالات متحده و ایران»، فصلنامه جغرافیا، سال پانزدهم، شماره ۵۵، صص ۳۷۷-۳۵۳

۸. جعفری، حمیدرضا و کوشش عثمان سلیمان (۱۳۹۹)، «ارزیابی عوامل مؤثر محیط‌زیستی در سیاستگذاری حوزه نفت و گاز با استفاده از روش PESTLE & SWOT (مطالعه موردی: اقلیم کردستان/عراق)»، فصلنامه علوم محیطی، دوره هجدهم، شماره ۳، صص ۱۵۱-۱۳۴
۹. حیدری، احمد و سید مصطفی ابطحی و حمید احمدی و احمد ساعی (۱۳۹۷)، «استراتژی اسرائیل در کردستان عراق و نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صص ۱۲۸-۱۰۹
۱۰. خاطرخواه آناقیز، علی و زهره پوستین‌چی (۱۴۰۱)، «اسرائیل؛ استقلال‌خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۷، صص ۶۷-۳۹
۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۴۰۱)، «رنگ قرمز از نقشه کروناپی کردستان خارج شد»، ۵ شهریور، آدرس اینترنتی: <https://www.irna.ir/news/84867800/>
۱۲. خداوردی، حسن و محمد شیرزاده‌اصل شربانی (۱۳۹۹)، «استقلال اقلیم کردستان در آیین سیاست‌های اسرائیل؛ تحلیلی بر اساس نظریه ساختاربندی گیدنز»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۸۴-۵۹
۱۳. درج، حمید و سید محمد طباطبایی (۱۳۹۷)، «نقش ژئوپلیتیکی اوکراین در تقابل نوین آمریکا و روسیه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۳۰-۱
۱۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و خضر خدیروی (۱۳۹۲)، «تأثیر ژئوپلیتیک کردستان عراق بر سیاست خارجی آمریکا در عراق (۲۰۱۲-۲۰۰۳)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره پنجم، شماره ۱۶، صص ۲۸-۱
۱۵. دهنوی، مهدی و حسین تاج‌آبادی (۱۳۹۳)، «فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۶، شماره ۱۸، صص ۱۸۸-۱۵۳
۱۶. رجبی، محمد (۱۳۹۸)، «جایگاه اقلیم کردستان عراق در سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم، صص ۵۲-۲۷
۱۷. رضایی، داود (۱۳۹۴)، «اهداف و منافع رژیم اشغال‌گر قدس در اقلیم کردستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۵۸، صص ۵۸-۳۱
۱۸. سمیعی‌اصفهانی، علیرضا و سارا فرحمند (۱۳۹۸)، «سناریوهای همه‌پرسی استقلال کردستان عراق»، فصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۳۳
۱۹. صادقی، شمس‌الدین و قدرت احمدیان و علیرضا مومن‌صفایی (۱۳۹۸)، «تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقش تأثیرگذار دو کشور آمریکا و اسرائیل در آن (بر اساس مکتب کپنهاگ و مجموعه امنیتی منطقه‌ای)»، فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۶، صص ۳۳۱-۳۰۶
۲۰. عالیشاهی، عبدالرضا و یونس فروزان و حسین مسعودنیا و سید علی مجیدی نژاد (۱۳۹۹)، «سناریوهای استقلال کردستان عراق و امنیت ملی ایران»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۱۶، صص ۲۱۴-۱۹۱
۲۱. عطارزاده، مجتبی (۱۳۹۷)، «سیاست آبی اسرائیل؛ تهدید امنیت خاورمیانه در رهیافتی واقع‌انگارانه»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۲۳-۱۰۱
۲۲. فرجی‌راد، عبدالرضا و ریباز قربانی‌نژاد (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل موقعیت ژئوپلیتیکی کردستان عراق»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۱۴-۱

۲۳. قنبری، هادی و علیرضا رضائی و قاسم ترابی (۱۴۰۲)، «فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق با توجه به حضور اسرائیل»، فصلنامه سیاست جهانی، ۱۲(۴)، صص ۵۹-۳۹

۲۴. محمدی، حمیدرضا و بهادر زارعی (۱۴۰۳)، «واکاوی راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا پیرامون رفتار ژئوپلیتیکی روسیه در دوره جو بایدن (۲۰۲۰-۲۰۲۴ م)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال بیستم، شماره سوم، صص ۹۷-۵۸

۲۵. مصطفی، قاسمی حیدری و اژدري بهناز و معصومی مجید (۱۳۹۱)، «استقلال خواهی کردها و راهبرد اسرائیل و آمریکا در تضعیف تمامیت ارضی ایران»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱۱۵-۸۷

۲۶. موسوی‌زاده، علیرضا و مهدی جاودانی‌مقدم (۱۳۸۸)، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۵، شماره ۱۱، ۲۰۱-۲۲۳

27. Agdemir, A. Murat (202), "is The Kurdish Regional Government in iraq A New Peripheral Friend For Israel?", Journal of International Relations and Political Science Studies, 11(5) pp. 63-82
28. Alnoami, Sale (September 1, 2015), "Strategic dimensions of the relationship between Israel and Iraqi Kurdistan", middleeastmonitor, available at: <https://www.middleeastmonitor.com/20150901-strategic-dimensions-of-the-relationship-between-israel-and-iraqi-kurdistan/>
29. Andoni, Lamis (Oct 7, 2017), "Why is Israel supporting Kurdish secession from Iraq?", Aljazeera, available at: <https://www.aljazeera.com/opinions/2017/10/7/why-is-israel-supporting-kurdish-secession-from-iraq>
30. Avraham, Rachel (March 9, 2022), "Independence For Kurdistan Can Help Iraqi Jews", thej.ca, available at: <https://www.thej.ca/2022/03/09/independence-for-kurdistan-can-help-iraqi-jews/>
31. Basnews(2023), "Kurdistan Population Exceeds Six Million in 2023", December 23, <https://www.basnews.com/en/babat/834275>
32. Bengio, Ofra (2021), "Jews, Israel And the Kurds: unravelling the myth", The Journal of Israel Affairs, 27(2), pp. 1-27
33. **bne Tehran bureau** (2024), "Iranian president makes historic first visit to Iraq's Kurdistan region", September 12, <https://www.intellinews.com/iranian-president-makes-historic-first-visit-to-iraq-s-kurdistan-region-343097/>
34. Danforth, Nick(2017), "Are Kurds more like Jews or Palestinians? It Depends on Whom you Ask", The Washington Post, available at: <https://www.washingtonpost.com/news/worldviews/wp/2017/09/25/are-kurds-more-like-jews-or-palestinians-itdepends-on-who-you-ask/>
35. Davison John, And Dmitry Zhdannikov(2018), "Why are Iraq's Kirkuk oilfields so important?", Reuters, <https://www.reuters.com/article/world/why-are-iraqs-kirkuk-oilfields-so-important-idUSKCN1NG0AG/>
36. **Islamic Republic News Agency**(2024), "Pezeshkian to visit Iraq's Kurdistan region in first such trip since 1979", September 11, <https://en.irna.ir/news/85594045/Pezeshkian-to-visit-Iraq-s-Kurdistan-region-in-first-such-trip>

37. Mahmoud, Sinan(2024), "Iran's President Pezeshkian travels to Kurdish region on second day of Iraq trip", **The National**, September 12, <https://www.thenationalnews.com/news/2024/09/12/irans-president-pezeshkian-travels-to-kurdish-region-on-second-day-of-iraq-trip/>
38. Naghi, Onah(2017), "Recognizing the Kurdish Holocaust", Israel Policy Forum, available at: <https://israelpolicyforum.org/2017/03/21/recognizing-kurdish-holocaust/>
39. Nebel, Almut And others (2001), "The Y Chromosome Pool of Jews as Part of the Genetic Landscape of the Middle East", *The American Journal of Human Genetics*, 69(5), pp. 1095-1112
40. Pukmedia(2022), "Industry Ministry: Iraq has the largest sulfur reserves in the world", April 12, available at: <https://www.pukmedia.com/EN/Details/72907>
41. Rajabi, Mohammad (2021), " Iraqi Kurdistan and the War between Iran and the Zionist Regime: An Analytical Review ", *The Journal of Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 12, No. 2, pp. 556-587
42. Sari, Ismail (2021), "Iran's New Iraq Policy After Saddam: From Sociological Dynamics to Political Realities", *The Journal of Iranian Studies*, Vol. 5, No. 2, pp. 427-454
43. **Shafaq News**(2024), "Iranian president's Kurdistan visit signals new phase in bilateral relations despite regional tensions", September 12, <https://shafaq.com/en/Kurdistan/Iranian-president-s-Kurdistan-visit-signals-new-phase-in-bilateral-relations-despite-regional-tensions>
44. Silverstein, Richard(March 21, 2022), "How Israel is using Iraq's Kurdistan as a launchpad to attack Iran", *middleeasteye*, available at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/israel-iran-iraq-kurdistan-launch-pad-attack-how>
45. Sobelman, Batsheva (2014), "Netanyahu Expresses Support for Kurdish Independence", *Los Angeles Times*, available at: <https://www.latimes.com/world/middleeast/la-fg-netanyahu-israel-iraq-kurdistan20140629-story.html>
46. **The Cradle**(2024), "Iranian president ends first-ever visit to Iraqi Kurdistan with call to 'resolve problems'", September 13, <https://thecradle.co/articles/iranian-president-ends-first-ever-visit-to-iraqi-kurdistan-with-call-to-resolve-problems>
47. Uzman, Hasan Oktay And Ali Balcı (2017), "Bölgesel açıdan Kuzey Irak bağımsızlık referandumu ve Türkiye", *Turkish Forum*, available at: <https://www.turkishnews.com/tr/content/2017/08/25/bolgesel-acidan-kuzey-irakbagimsizlik-referandumu-ve-turkiye/>